



تیرگهرو

ارگان رسمی جامعه جوانان شرق کوردستان و
اتحادیه زنان جوان شرق کوردستان

سال دهم، شماره سی و ششمین، دی و بهمن ۱۴۰۳
نشریه ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

اصرار بر سوسیالیسم اصرار بر انسان بودن است

له درمی پلانیری ۱۵ شوبات

کاتی تۆله یه

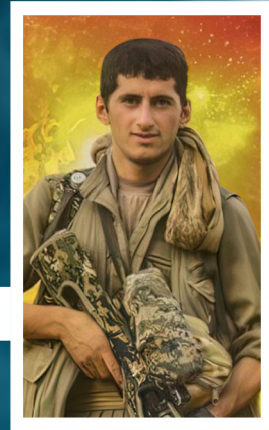


ژبیله موۆ

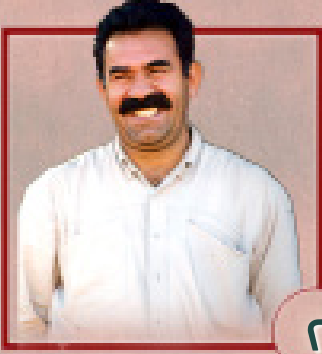
به معنای اذگر زیر خاکستر است

ارگان رسمی جامعه جوانان شرق کوردستان KCR
و اتحادیهی زنان جوان شرق کوردستان YJCR
شماره سی و ششمین، سال دهم، دی و بهمن 1403
نشریه ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

این شماره را به شهید شوان چیا تقدیم می‌نماییم.



فهرست



۲

رهنمود رهبر آپو

توطنه بین المللی ۲

رینمای کوردیناسیونی KCR

کوردیناسیونی کج ۷

به رۆچی ۳ رشمه ۱۳۷۷ به شداری هه‌لمه‌تی کاتی تۆله بین

تۆله‌ئدان سارا ۱۳

سه‌مبۆلی گه‌نجان «هێمن بیکه‌س»

هاوێ ناویهر ۱۷

هه‌نگاو به‌ره‌و ئازادی (بیره‌وه‌ری گه‌ریلا)

باهۆز له‌شکه‌ر ۱۹

انزوای مطلق بر رهبر آپو

نامه رفیق زینب ۲۳

سارا سمبل مبارزه و عشق

ویان هه‌لو ۲۵

نوشته جوانان انتقام

سره‌لدان آبدانان ۲۹

AGIRÊ AZDIYÊ VIYAN KAROX E

MADORA AZAD 32

LÎSTOKÊN GERÎLA (BIRÊ)

RÊNAS EVALAN 34



۲۵



۱۳



سخن‌جو

پیش از هر چیز با ملاقات‌های اخیری که با رهبر خلق کورد رهبر آپو صورت گرفت، سطح روحیه و اراده ما جوانان شرق کوردستان نیرومندتر گشته و با پیامی که از سوی ایشان به دستمان رسید، می‌انیم که به آزادی فیزیکی رهبر آپو بسیار نزدیک شده‌ایم و مبارزه ما ملزم به گسترده‌تر شدن دارد. مبارزه و انقلاب ذهنیتی که در طول این ۵۰ سال رهبر آپو در مقابل ذهنیت مدرنیته کاپیتالیست و دولت-ملت به راه برده است، میراث عظیمی را برای خلق کورد به‌ویژه زنان و جوانان به جا گذاشته است. زنان و جوانان در چارچوب پارادایم رهبر آپو خود را سازماندهی کرده و هویت حقیقی خود را به دست آوردند. دولت-ملت‌های هژمونیک جهان و همچنان ذهنیت اشغالگری دولت‌های منطقه‌ای، همچون دولت فاشیست ترکیه و ایران با دیدن موج انقلابی کورد آزاد دست به جنب و جوش سیاه خود زده و با همکاری خط‌خیانت در کوردستان علیه رهبر آپو، دستاورد و رنج خلق کورد، زنان و جوانان توطئه بی‌شرمانه را به اجرا درآوردند و رهبر آپو را به صورت فیزیکی به اسارت درآوردند. با اسارت فیزیکی رهبر آپو اراده، نیروی زنان و جوانان نیز به انزوا پیش برده شده است. برای این نیز توطئه بین‌المللی در شخص رهبر آپو در حقیقت بر همه خلق‌های خواهان زندگی دموکراتیک و کورد آزاد انجام داده‌اند. با مبارزه و مقاومت جوانان و صیانت از رهبر خود نقشه و تارهای خیانت در هم شکسته شد و تا به امروز هر روزه زنان و جوانان مدل زندگی آزاد و هویت راستین را در پارادایم رهبر آپو دیده‌اند. نمونه‌های آن را نیز می‌توان در کارزارهای اخیری که در سطح جهان و به‌ویژه شرق کوردستان از طریق زنان و جوانان به نام «وقت انتقام است» را به راه برده‌اند. همراه تمام کاستی‌های آن، ما دیدیم که در محدود کردن و در گوشه قرار دادن دولت اشغالگر ایران و ترکیه در ملاقات و گام برای آزادی فیزیکی رهبر آپو نزدیک کرده است. برای همین نیز با نزدیک‌تر شدن به سالگرد توطئه بین‌المللی علیه رهبر آپو می‌بایست با شناخت عمیق و تاریخی، نقش اشغالگری و خیانت در برابر خط مبارزه و مقاومت که امروزه در خاورمیانه و بخصوص در کوردستان به خوبی درک کرده و بر اساس آن ما نیز نقش خود را از چارچوب زندگی روتین و محدود شده‌ای که پدران و مادران ما به صدها سال آن را ادامه داده دست برداشته، و نقش تاریخی خود را به عنوان بخشی از جامعه و بطن اجتماع خود ایفا کنیم. با درک و شناخت کافی از نقش توطئه‌گران و مبارزه نیم قرن رهبر آپو از تاسیس حرکت آزادی تا برهه هم‌اکنون در سیستم شکنجه‌امرالی را با چشم متفاوت و خارج از جگ و ویژه و دنیای مجازی شده، مشاهده کنیم. ما نیز در این شماره تلاش کرده‌ایم تا شناختی بیشتر در ارتباط با توطئه بین‌المللی، نقش کارزار «وقت انتقام است» و تأثیرات آن بر روی جامعه‌ی شرق کوردستان، ایران و همچنین شیوه زندگی شخصیت‌های پیشاهنگ رفقای شهید را برایتان پیشکش کنیم.





توطئه

بین المللی علیه

رهبر آپو

برگرفته از تحلیل‌ات رهبر آپو

تاریخ، در اروپا هم روشنفکران مشهوری وجود داشته‌اند. بایستی آن روشنفکرها را هم کمی برای خودمان قرار بدهیم. مسئله‌ای بنام مسئله‌ی آپو در میان نیست. این در حالیست که من از کسی، هیچگونه کمکی نمی‌خواهم. بدین وسیله دوباره تاکید می‌کنم که کسی برای من، نباید حتی یک قطره اشک هم بریزد. بخصوص عملی مثل خودسوزی را اصلاً نمی‌پسندم. همچنین برای من راهپیمایی صورت می‌گیرد که اصلاً لازم نیست؛ ولی اگر برای خودتان انجام می‌دهید، تا آخر از شما حمایت می‌کنم. اگر روزه می‌گیرید و نفستان را در راه میهن تان تربیت می‌کنید، ارزشمند، می‌توانید ادامه دهید. بایستی تمامی جلسات و همکاری‌هایتان در راه میهن و البته که در راستای آزادی‌اش صورت گیرد. من نیز برای همین به اینجا اومدم؛ برای شخص خود نیامده‌ام. به منظور پیدا کردن جایی برای خودم نیامده‌ام. دلیل آمدنم

مسئله خیلی مهم اینه که وطن خلق مان کجا خواهد بود، زندگی در میهن‌شان چطور خواهد بود؟ شما در ولستان چطوری می‌توانید بسر ببرید؟ آیا بدون شکستن و کنار زدن دست‌های بیگانه، به آنجا دست خواهید یافت؟ این‌ها اهمیت زیادی دارند. برگزاری کمپین‌ها و فعالیت‌های همگانی در این باره بسیار مهمه. البته همان‌طور که گفتم اروپا می‌خواد کمی هم انسان را تحقیر کند. اروپا نباید این قدر با مبانی خودش در تضاد قرار بگیرد. از یک طرف، در میهن‌مان عذابی جهنمی وجود داره و از طرفی دیگر، او نیز ضربه وارد می‌کند. در اینجا بی‌طرفی و فلان و بهمان نمیشه. در اینجا باید از شریک ظلم بحث کرد. اندکی اصطلاحات را درست بکار ببریم. چون این، یک لازمه‌ی باوجدان بودن و روشنفکر بودن است. در طول

دلیل آمدنم به اروپا برای اینکه سهمی در کاستن این عذاب جهنمی‌ای که خلقم به آن گرفتار شده است داشته باشم.

بازی‌های سیاسی‌شان باشم. این را خودشان نیز می‌دانند. اگر اتفاقی نیز افتاد به ابراز تاسف هیچ کسی نیازی نیست که "ای وای چرا این طور شد، چرا اون کار را نکردیم!" من برای توان بخشیدن به خلق به اینجا اومدم، نه برای خودم. به این کار هم ادامه میدهم و از این به بعد هم اینطور خواهد بود. همیشه انتظار بیشتری از یک انسان داشت. فراموش نکنیم، یعنی برای اینکه کار نامطلوب انجام نگیره و تنش بوجود نیاد، به محل هواخوری هم نمی‌رم. یعنی سعی می‌کنم این قدر مسئولانه و مقرراتی رفتار کنم. منتها اگر اتفاقی نیز بیافتد، نباید قیامتی به‌پا کرد. دست کم، برای پیشرفت خودتان، لازمه ارزیابی کنید. این را می‌توانم قدرتمندانه تر از هر زمانی بگم که حتی اگر من بیازم، این خلق پیروز شده است. این قضیه به‌طور مسلم این طوری می‌باشد. شما می‌توانید امکانات و فرصت‌های پیروزی را به طور شایسته‌ای به کار ببرید. موضع آن‌ها حتی نه برای عقب‌نشینی، بلکه برای بازنده شدن من است. اگر بگویند "پیروزی این خلق حالا به نابودی تو بند است" باشه، این را می‌پذیرم. من موقعیت آنچنانی و رتبه و فلان و بهمان هم نمی‌خواهم. کما اینکه به عنوان شخص هم چنین صفت رسمی‌ای را

به اروپا برای اینکه سهمی در کاستن این عذاب جهنمی‌ای که خلقم به آن گرفتار شده است داشته باشم. برای اینکه کمی این را به اروپایی‌ها نشان بدهم و به آن‌ها بگویم دیگر بس است. همچنان به وسیله‌ای جهت متوقف کردن هیولایی که خودشون درست کرده‌اند، یعنی جمهوری ترکیه‌ای که این همه با کشورهايشان در تضاد است، تبدیل شود. منتها خواهان شنیدن این نیستند. اما اروپایی‌ها رغبت نشون نمیدهند و به بهانه‌ی "ندیدم و نشنیدم!" موقعیت و وضعیت خاصی را ایجاد کردند. قرار بود دادگاه ترتیب دهند، که منصرف شدند. با افراد عای گفتگو می‌کنند اما رغبتی به گفتگو با ما ندارند. با شما دیدار می‌کنند ولی اهمیتی به گفتگو با ما نمی‌دهند. شما باید این رو مورد توجه قرار بدید. به همه شما پناهدگی می‌دهند اما به ما نزدیک نمی‌شوند. این نیز خیلی عجیبه. این در حالیه که ما نیروای هستیم که این مرحله را به وجود آوردیم، ولی ما را نادیده می‌گیرند. ما را نیز با زندانی شدن و امثال این با حکم دادگاه می‌خوان بترسانند. این اوضاع عجیب‌اند. این‌ها را برای اینکه شما را نارحت کنم نمی‌گویم. بلکه به عنوان لازمه‌ی احترام به واقعیت - که در هر حال آموزنده است - می‌گوییم.

در حال حاضر نمی‌دانم که فردا چه اتفاقی می‌افتد. خلقمان، دوستان و تمام روشنفکرهایمان، این را بدانند که احتمال چیزهای خیلی تراژیک هم وجود دارد. ممکن است چیزهایی خوبی هم پیش بیاید. من هم هنگام آغاز این مبارزه، این طور شروع کردم، با اراده به میدان اومدم و با اراده‌ی خودم پایانم را هم تعیین می‌کنم. گفتم این تصمیم، می‌تواند به شکل یک روزه مرگ هم باشد. یعنی به هر حال، حق این را نیز دارم. من فردی نیستم که این طور به هراس بیافتم و ابزار

چون کسی که من را حتی کمی بپذیره، از منفعت اقتصادی خودش و دستکم از آنچه که مربوط به دولت ترکیه است دست بردارد. برای همین، قبول نمی‌کنند. وگرنه آشکاراست که من یک شخصیت سیاسی درجه اول هستم. حتی بدیهی است که باید از لحاظ حقوقی هم مخاطب شماره یک باشم. متنها در اینجا منفعت می‌گویند "اگر بپذیرید صد میلیون دلار از دست می‌رود." برای همین، امید بستم به اروپا امکان ناپذیر است. در ساختار منطبق اروپا جایی برای این نیست. هر کشوری در حال حاضر، کورد خودش را درست می‌کنند. چرا؟ چون از ترکیه به مقدار زیادی عوض و پول می‌گیرند. یعنی در کشورهای بزرگ و کوچک دیگر هم نیز همین شکل است. معامله ای که الان بر سر کوردها می‌شود نیز همین است. یعنی در کشورهای بزرگ و کوچک نیز به همین‌طور است. متاسفانه دولت ترک در این کار ماهر است. ۱۵ سال تجربه دارد. در ساکت کردن افراد نیز ماهر می‌باشد. همان‌طور که گفتم بهای من برای آن‌ها ناچیز است. یعنی بنا به منطق منفعت اقتصادی، باید من در هیچ جایی نمانم. داستان به همین سادگی می‌باشد.

به این دلیل که من همراهی منافعشان نیستم. راهم را انتخاب کرده‌ام، خودم هم به پایان خواهم برد. یعنی قضیه، این طور بوده و باید ناراحت نشد. خودم را با برنامه آن‌ها وفق نمی‌دهم و این خیلی مهم می‌باشد. در واقع، آن بحران، بحران عادی نبود. قرار بود با آغاز عملیاتشان علیه من، همه امور خاورمیانه را تحت کنترل قرار بگیرند. چون در این باره آگاه بودم، از صلح طرفداری کردم. در برابر جنگی که به منطقه تحمیل کردند، من هم به اروپا و روسیه رفتم و گفتم در آنجا صلح دارای اهمیت می‌باشد

لایق و شایسته خودم نمی‌بینم اما اگر من را در مقام مخاطب قرار بدید، برای این حاضر هستم. این را هم قبلاً گفته بودم. تنها بخاطر اینکه خلق پیروز شود اگر دستگیرم می‌کنند یا بکنند و اگر می‌خواهند بکشند برای آن نیز آماده هستم. لازمه این‌ها را نیز با فهم و آگاهی پذیرفت. باید جسور بود و خلاصه اینکه شرافت لازم می‌باشد. خلق هم به این باور دارد و آشکارا نشان دادند این توسط شهدای قهرمان، برآستی هم برای من ارزشی بزرگی می‌باشد. در هر حال با تکیه به آن‌ها، ما هم به شجاعت دست می‌یابیم.

در اروپا چیزی بنام امید یا ناامیدی برای من مطرح نیست. اروپایی‌ها خیلی خوب بلدند که در این مدت، برنامه هایشان را پیاده کنند. خردگرا و عاقل‌اند. خیلی خوب منافع و وجدانشان به هم منطبق کرده‌اند. به گمانم شخص ماجراجویی به مانند من را مناسب نمی‌بینند. وضعیت به این صورت است. در عصر رمانتیسم زندگی نمی‌کنیم. در حالی که واقعیت این است که، اروپا کاملاً منطبق با منفعت با برنامه‌های خودش حرکت می‌کند. قبلاً هم این را می‌دانستم. در مقایسه با ترک‌ها ارزش کوردها خیلی ناچیز می‌باشد، این را خیلی خوب و بدون کم و کاستی به کار برده‌اند. چیز ساده‌ای دیگر را بگویم. مطمئنم حالا صدای کوردها را، بدون اینکه چیزی به آن‌ها بدهند، خفه می‌کنند؛ خون کوردها را با دادن بی‌ارزش‌ترین چیز که در حد بخشیدن به گدا باشد، هدر خواهند داد. نقشه همین‌قدر ساده است. به گمانم فهمیده‌اند چرا من را قبول نمی‌کنند به اندازه حل یک معادله سخت نیست. مسئله این است که وجودم برایشان به مانند وزنه سنگینی می‌کند.

شاید بنا به ضرورت دموکرات بودن، خواست تا یکی دو قدم بردارد، اما پس از مدت کوتاهی، به نظرم با فشار آوردن به او و ساکت کردنش، معلوم شد که توی چه وضعیتی انداخته شد. لازم نیست که موارد دیگر را بشمارم. حالا موضوع متوقف کردن این روندِ تروری که تحمیلش می‌کنم و می‌خواهند که دستکم آن را تا سطح جنگ جهانی گسترش بدهند، با موضوع گیری من ارتباط دارد. چه بسا این، توجه بسیاری از روزنامه‌نگارها را هم جلب کرده است. اروپایی‌ها می‌گویند “چرا قضیه اوجلان باعث چنین بازتاب‌های مهمی شد” یا نمی‌دانم “چرا مثل بمبی بر سرمون بارید؟” این، رویدادی که با تروریسم پشت‌ا در ارتباطه، این‌ها در تاریکی و خفا می‌جنگند. می‌خواهند با اصرار، با عملی کردن نقشه‌های پنهانشان ادامه دهند. البته این عملکرد صلحطلبانه‌ای ما به گمانم گام مناسبی در برابر این بود. به نظر من دست کم لازم بود این روبه‌اروپا نشان بدهیم. بایستی مصرانه هم نشان بدهیم. اروپا برآستی نمی‌خواهند

و همین نیز مهم می‌باشد. کسی به هیچ وجهی خواهان درک این مسئله نیست، ولی واقعیت همین می‌باشد. تاریخ، این را به این‌طور خواهد نوشت. در این زمینه، برآستی یک جنبش بزرگ صلح را برپا کردم. این را نه‌تنها برای کوردها بلکه برای تمامی خاورمیانه ترتیب دادم. دشواری‌ای که من حالا با آن روبرو هستم، از همین ناشی می‌باشد. اساساً این دشواری بسیار غیر عادی، از بزرگ بودن این بحران نشات می‌گیرد. صفحه‌ی مدتی‌وی در نهم اکتبر سیاه شد و من آن روز در هواپیما بودم. حتی همین‌هاک شدن شبکه، به تنهایی نشون می‌دهد که این کار چقدر برنامه‌ریزی شده است. در همین روز هم پلیس اینترپُل، در تعقیب من بود. ارسال یک روزهی این پیام تعقیب به سراسر دنیا، نشان از این است که نظام واپس‌گرای جهانی چگونه علیه ما کار می‌کند. در همین روز هم پلیس اینترپُل، در تعقیب من بود. حتی موضع‌گیری‌های “پریماکوف” و “سمیتیس” نشان می‌دهند که این کار از یک مرکز هدایت شده است. جناب “دالما”



آشکارا انجام می‌دهند. کار دیگه‌ای هم نیست که انجام بدهند. مردم ترکیه بایستی به‌خوبی از این موضوع آگاه و مطلع باشند. نمی‌دانم، یعنی امیدوارم زیاد مشغول من نشوند. آن‌ها جرات این را ندارند که من را بازچه قرار دهند. مهم می‌بینم که به سهم خودم در این باره هشدار می‌دهم. به تمامی دولت‌های اروپا و آمریکا هشدار می‌دهم که دست از محاسبات اشتباه در مورد من نزنند. من با زور به اینجا نیومدم. من مستقیماً با توجه به نظام کم‌تا‌بیش حقوقی و دموکراتیک اینجا آمده‌ام و می‌خواهم همین را هم ادامه بدهم.

بشنوند و به یک اراده سیاسی احترام بگذارند. گفتم بمانم شاید سهمی در صلح داشته باشم. من واسه‌ی این می‌خواستم در اروپا بمانم. این را برخی از دوستان هم می‌خواهند اما من نمی‌خواهم. اما به راستی هم موضع‌گیریشان هیچ ربطی به صلح ندارد. از این به بعد هم در زمینه‌ی صلح، پافشاری می‌کنم. به گمانم این صلح‌طلبی، با معناست. در واقع، هر کسی هم با آگاهی روشنی که در این باره دارد، تلاشی به خرج می‌دهد ولی همانطور که در ترکیه دیده می‌شود، موج شوونیسم بالا گرفت. یعنی انگار فلسفه آدم‌خواری در کار است. علت این، به احساس ترس تصمیم‌گیرندگان این جنگ برمی‌گردد. در ترکیه، شوونیسم به شدت تحریک می‌شود. دلیلش، ترس ناشی از جهنمی است که ترکیه را داخلش انداخته‌اند. برخی‌ها کار در تاریکی و خفا را دوست دارند. در ترکیه، این کارها را باندهای تبهکار و رانت‌خواری که شناخته شده‌اند، خیلی





به روحی شهید میمن تۆلهی میژوو بستینه دیواری ئیمرالی ههلوهشیینه، کوردستانی ئازاد بهدی بیینه

رێنمایی کوردیناسیۆنی KCR

هیژی پیشهنگ و دامهزینهری کۆمه‌لگهی دیموکراتیک،
گه‌نجان بۆ خۆیانن و ده‌بی چاوه‌ڕێی هیچ هیژیکی ده‌روه‌ نه‌بن.

سه‌رکیشی ده‌وله‌تانی ئەمریکا و ئیسرائیل رێبه‌ر
ئاپۆیان ده‌ستگیر کرد و راده‌ستی حکومه‌تی
ئهو کاته‌ی ده‌وله‌تی تورکیان کرد. به‌لام ئه‌وه‌ی
داگیرکه‌ران به‌ هیوای نه‌بوون ڕوویدا و له‌ هه‌ر
چوار به‌شی کوردستان و به‌گشتی جیهان،
خاوه‌ندارییه‌کی بیۆینه له‌ رێبه‌ر ئاپۆ کرا. به
سه‌دان جوانی کورد ئاگریان له‌ جه‌سته‌یان
به‌ردا و په‌یمانی تیکۆشان تا ئازادی جه‌سته‌یی
رێبه‌ر ئاپۆیان دا.

رێبه‌ر ئاپۆ له‌ سه‌ره‌تاوه‌ ئاماژه به‌ شه‌ری
جیهانی سی‌هه‌م ده‌کات که ناوه‌نده‌که‌ی
کوردستانه‌ و ئەم‌رۆکه به‌ لوتکه‌ گه‌یشته‌وه‌

گه‌لی کورد به‌ سالان بێ رێبه‌ر مابوو و له
ناو تاریکیدا په‌یجوری ئازادی بوو. له‌ ناو
بێ هیوایی دا ژيله‌مۆبیک گه‌شایه‌وه‌و بوو به
هیوای گه‌لیک. رووناکییک بوو به‌ ئازادی و
به‌ سه‌دان تیشکی خۆری ئازادی لێ که‌وته‌وه.
له‌ سه‌ره‌تای ده‌رکه‌وتنی رێبه‌ری ئازادیدا،
ته‌واوی سه‌رکرده‌ و تاریک په‌رسته‌ کورده‌کان
له‌ هه‌ولێ کپ کردنی زایه‌له‌ی ئازادیدا بوون.
به‌لام به‌ر له‌ تاوی ئازادی به‌ که‌س ناگیریت.
داگیرکه‌ران بۆ ئه‌وه‌ی که‌ تیکۆشان ئازادی
له‌ ناو بین، له‌ ۱۹۹۸/۱۰/۹ دا پیلانگیریه‌کی
ناونه‌ته‌وه‌ بیان ده‌ست پیکرد. به‌ گشتی زله‌پزه
جیهانیه‌کان به‌شدارێ سیاسه‌تی پاکتاوی
گه‌لی کورد بوون. له‌ به‌رواری ۱۹۹۹/۲/۱۵ له
شاری نایرۆبی پایته‌ختی کینیا به‌ ده‌ستی
کۆمپلۆگه‌ران، به‌ پلانی گلا دیوی ناتۆ و به

دوای ئهوهی رېبهر ئاپو رادهستی دهولته تی تورکی فاشیست ده کریت، وهک به شیککی سه ره کی کومپلو؛ بو دورگه ی ئیمرالی ده گوازیته وه. له ویدا سیستمیکی گوشه گیری و ئه شکهنجه، له سه ر بنه مای پاکتاوی گه لی کورد داده پزیریت. ماوی ۲۷ ساله ئه وه سیستمی پاکتاوه بووه ته بنه ما و هوکاری سه ره کی ته واوی شه ر و ئالوزیه کان له گشتی جیهانه. له بهرئه وه ی ته نیا ریگای چاره سه ری رامن و فکری رېبهر ئاپویه، داگیرکهران هه ر ده چیت ئه وه سیاسه ته به شیویه کی چرتر به رپوه ده بن. له وهش زیاتر هه ول ده دن چاوپیکه وتنی رېبهر ئاپو که مافیکی یاساییشه، له ژیر سه ره وه ری خویان و به ئامانجی شه ری تایهت به کار بینن. به لام وهک چو ن کومپلو به له سه ره تاوه به هه ول و خو راگری رېبهر ئاپو پوچه لکراوه ته وه، تا ئه مرۆکه ش خو راگری رېبهر ئاپو بووه به سه رچاوه و ئیلهامی تیکۆشانی ته واوی ئازادیخوازان، خو راگری بی وینه ی گه ریلا و تیکۆشانی ژنان و جه وانان. واته هه رکاتیک ده ولته تی تورکی فاشیست ده که ویته ته نگانه ده ی هه ویت به سیاسه تی شه ری تایهت تیکۆشان بو ئازادی جه ستهی رېبهر ئاپو لاواز بکات و گه لی کورد بخاته چاوه روانیه وه. به مشیویه ده یانه ویت کویلایه تی و ژیردهستی وهک قه ده ری گه لی کورد به سه پینن. به لام گه لی کورد له رېبهر ئاپووه فی ری ژیان ی ئازاد بوون، له م سو نکه یه وه رېبهر ئاپو رېبه ری ئازادییه و کاتیک رۆژانه گه لی کورد درووشمی «بی سه رۆک ژیان نابیت» دوویات ده کاته وه، له بنه مادا په یمانی له گه ل ژیان ی ئازاد نو ی ده کاته وه. بویه ده بی تیکۆشان بو ئازادی جه ستهی رېبهر ئاپو هه ر رۆژ به رتر بکه یین و باش له په یامی رېبهر ئاپو تیبگه یین که ده لیت؛ «هیزی منی تۆریک و پراتیکی هه یه که کیشه کان چاره سه ر بکم به لام گوشه گیری به رده وامه» هه لویست و خو راگری

رېبهرایه تی له زیندانی ئیمرالی ئیلهامیکه بو ئازادی که مرو فایه تی سوودی لی وه رده گریت و ئه وه بهر خودانه کاریگه ری له سه ر تیکۆشانی ته واوی ئازادیخوازان کردوه. نیشانه ی هه ره بهرچاو له چیا ئازاده کانی کوردستان شه ری چه ند ساله ی گه ریلایه، که به رامبه ر هه موو جو ر چه کیککی قه دهغه که راو خو راگری ده که ن و تابلوی سه رکه وتن به فیدا کاری ده نه خشین. له که سایه تی هه قال رۆژگه ر و هه قال ئاسیادا شا کار ده ئافرینن و ئاستی فیدایی بوون له میژوودا ده گه یه نن به لوتکه. بئگومان ئه مه ریگا نیشانده ری هه موو جه وانانه و باشتین وه لامه بو شه ری تایهت و ده روونی که له لایه ن ده ولته تی تورکی داگیرکهره وه دژی گه له که مان به رپوه ده چیت. بئگومان ئه وه بهر خودانه ی گه ریلا رووناک که ره وه ی ریگای تیکۆشانی گه لانی ئازادیخوازه، وه ری لی وه رده گرن و باوه ری به تیکشکاندنی سیستمی سه رمایه داری گه شتر ده کات. نمونه ی ئه م راستیه بهر خودانی رۆژئاوای کوردستانه، که بووه به سه مبولی گه لی خاوه ن ئیراده و ریکخستن بوو، که دیسانه وه سه رچاوه که ی ئه وه فکر و رمانه یه. داگیرکهران نه ئیراده ی ئازاد و نه بوونی رېبهر ئیک بو گه لی کورد قه بوول ناکه ن و گه لی کوردیش بو هه بوونی خو ی و خاوه نداری له ئیراده ی ئازادی خو ی، بو تیکۆشان له به رامبه ر سیستمی پاکتاوی ئیمرالی، پیوستی به تیکۆشان و هۆشمه ندی پاراستنی جه وهه ری هه یه. ئه وه ئه رکه سه ره تا له سه ر شانی ئیمه ی گه نجانه. هه ربویه رېبهر ئاپو جه وانانی وهک پی شه نگی بونیادنانی کومه لگه ی دیموکراتیک ده ستنیشان کردوه. تیکۆشانی بزاقی ئازادی سه لمینه ری ئه وه رۆحه یه، هاوکات په ژاک به رۆحی جه وانانی و دژی عه قلییه تی پیرسالاری و ده سه لاتداری سه ریه له داوه و ئه مرۆش ئه رکی جه وانان سه رخستنی ئه م رۆحه یه. کاتیک رېبهر ئاپو ده لیت؛ «به گه نجی ده ستمان پی کرد و به گه نجیش سه ر ده که وین» ئماژه به راستیه کی له مشیویه ده کات. بویه ده بییت وهک گه نجان ئه رکی

شۆرشى ئازادى له
 كوردستان هميشه جەوانان
 سەر كىشىيان بۇ كوردووه. به و
 هۆيه وه داگير كهران بۇ له ناو
 بردنى تىكۆشانى ئازادى،
 له كه سايه تى رېبه رايه تيدا
 جەوانان به ئامانج ده گرن

دايه» ئەم راستىيه دەدر كىنىت. دەبى له ناوهرۆكى ئەم وتەيه به باشى تىبگەين. رېبه ر ئاپۆ دواى چەندىن سال بى هېچ بهرژه وهنديه كى تاكه كهسى ته واوى ژيانى بۇ ئازادى گەله كهى پيشكەش كرد و گەلى كوردى كرده خاوهنى ئيراده و ناسنامهى ئازاد. بۇ ساتىكىش داواكارىيه كى شه خسى نه بووه و تەنيا داخواز و هەولدانى بۇ كهرامەتى گەله كهى و ئيرادهى سەربه خۆى سياسى بوو. هەموو تەمەنى خۆى له و پىناوهدا تەرخان كرد، بۆيه هەبوونى رېبه رايه تى له زىندانى ئيمرالى بۇ مرؤفايه تى و تايبەت گەلى كورد، هۆكارى رەخنە له خۆ گرتە و دەبى رۆژ به رۆژ تىكۆشان بو ئازادى رېبه ر ئاپۆ به هېزتر بگەين. بزافى ئازادى به پيشه نكايه تى گەلى كورد و دۆستانى له ئۆكتۆبەرى سالى ۲۰۲۳ هەلمە تى ئازادى جەستەيى رېبه ر ئاپۆيان دەستپىكرد و له ته واوى كوردستان و جيهان پيشوازيكى به هېزى لى كرا و له رۆژه لاتى كوردستانىش گەنجان و ژنان به رۆحى سەر هەلدانى ژن ژيان ئازادى سەر كىشىيان بۇ ئەو هەلمە تە كرد.

بىنگومان گەنجانى رۆژه لات چەند قۇناغىكى گرنگى سەر هەلدانىان له مېژووى كوردستاندا نووسىيوه تەوه. له سالى ۱۹۹۹ دژ به پلانگىرى رەشى ۱۵ شوبات و له سالى ۲۰۲۳ دژى كوشتنى ژنى كورد «ژينا ئمىنى» به دروشمى ژن ژيان ئازادى گورزىيان له دل و مېشكى داگير كهران به جى هېشت. هەر بهو هەست و رۆحه پئويسته ئاستى به شداريمان له تىكۆشانى ئازادى جەستەيى رېبه ر ئاپۆ بهر زتر بگەينه وه. گەنجان هېزى گۆرانكارى كومه لگان، ئەوهى كومه لگا له به رامبەر هەموو شىوازيكى هېرش و دەستدرىژى بپارىژى گەنجانن. بۆيه دەبىت به بهرپرسيارىيه تى خۆمان هەلستين و به هەلوپىستى گەنجىتى به رامبەر قركردنى كومه لگا وهك قەلغانىك راوهستين. گەنجانى

مېژووبى خۆمان پىك بىنين. شۆرشى ئازادى له كوردستان هميشه جەوانان سەر كىشىيان بۇ كوردووه. بهو هۆيه وه داگير كهران بۇ له ناو بردنى تىكۆشانى ئازادى، له كه سايه تى رېبه رايه تيدا جەوانان به ئامانج ده گرن. به لام ئەوهى كه نه يه هېشت پيلانى داگيركارى سەر بگه وپت، خالى سەر كهى هەلوپىستى رېبه ر ئاپۆ بۇ خۆى بوو و له پەناى ئەوهدا هەلوپىستى رادىكالى جەوانان هەنگاوى به داگير كهران به ره و دواوه هەلنا. له چوار لاي كوردستان و هەر گۆره پانىك بوو به گورستانى نه ياران و ناگرى ناخى گەلى كورد خەيالى چەپەلى داگير كهرانى كرد به خۆله مېش.

گەنجانى رۆژه لاتى كوردستان و ئيران
 كۆلانه كانيان گواسته وه بۇ مهيدانى تىكۆشان
 و ئەوهش بوو به بناغەى شۆرش

سەدان ژنى گەنج و گەنجى هېژا، ناگرىيان له جەستەيان بهردا و به هەزاران كەس روويان كرده چيا ئازاده كانى كوردستان. چونكه دەيانزانى هېرش له سەر رېبه ر ئاپۆ تەنيا له سەر شه خسپك نيه، به لكوو له كه سايه تى رېبه ر ئاپۆ دا له سەر هەموو گەلى كورده. رېبه ر ئاپۆ به وتنى «له شه خسى مندا گەلى كورد له بن گۆشه گىرى و ئەشكەنجه

دەولەت-نەتەوہ بە ئىرادەيەكى يەك گرتوو

خۇيان بە رېڭخستن بکەن

ھىزى پېشەنگ و دامەزىنەرى كۆمەلگايكى ديموكراتىك، گەنجان بۇ خۇيانن و ناكريت چاوهروانى ھىچ ھىزىكى تىر بن. بەھۇى بەرخودانى ئىمرالى، ھەل و مەرج لە ھەموو كات رەخساوترە و ئەركى ئىمە وەكوو گەنجان، تىكۆشان و پىداگىرى زياترە لەپىناو ئازادى. رژىمى ئىرانى داپلۇسىنەر، دژە ژن و ژەنەتۆكرات، دەپەھوى كۆمەلگا بى پېشەنگ بەھىلى. گەنجان لە بەرامبەردا وەكو ولامىك خۇيان بە رېڭخستن كىردوو، بوون بەجەستە و رۇحى شۆرشى رۆژھەلات و ئىران و شۆرشى ژن ژيان ئازادى سەلمىنەرى ئەم راستىيەبە. جەوان بەمشىوہە دەتوانن تۆلەى مىژوو لە داگىركەران بسىنن و بەرامبەر ھەموو شىوہ ھىزى كىتوورى، سىياسى و فىزىكى، لەسەر بنەماى خۇ رېڭخستنبوون پاراستنى گەلەكەيان مسۆگەر بکەن. ھەر بۇيە پىويستە وەك جەوانانى رۆژھەلاتى كورستان بە رۇحى جەوانى و بە رامانى ئازادى، خۇمان بىچىن و ھىمن ئاسا؛ كە لە زىندانى تارىكى تارىكپەرستانوہە بوو بە رووناكى رىڭگى ئازادى، بەشدارى تىكۆشان بىن. بە ھەستى تۆلە خاكى پىرۇزى زاگروس لە خىانەت و داگىركارى بىرژىن. بە فىداكارى بەرز و بى ترس و دوودلى، بۇ ھەموو قوربانىيەك ئامادە بىن و باش بزىنن كە ئازادى نابەخىرئىت، بەلكوو دەسەنرئىت. ھەر بۇيە لە كاتىكى بەمشىوہە و لە سالىادى ۳ى رەشەممە دا، بە رۇحى تۆلە و درووشمى «كاتى تۆلەبە» پەيمانى تىكۆشان نوئ بکەينەوہ. لە كۇتايىدا بانگمان لە تەواوى جەوانانى ئازادىخواز؛ بە رۇحى راپەرىنى ۳ى رەشەممەى ۱۳۷۷ و بۇ تۆلەى شەھىد ئامەد سەرحەد و شەھىد شۆرش سەردەشت، بەشدارى ھەلمەتى ئازادى بىن و تۆلەى ۲۷ سال ئەشكەنجە و گوشەگىرى لە پلانگىران بستىنن. بۇ ھەموو گەنجانى ئازادىخواز بانگەواى دەكەبن كە كاتى تۆلە و خاوندارى لە شۆرشى ئازادىيە، كاتى ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپۇيە...

ئازادىخواز دەبى فەر و فەلسەفەى رېبەر ئاپۇ باش بخوئىنن و بەو پىيە ھەلوئىست دژى ھەرچۆرە ناحەقىيەك نىشان بەدەن. نەيارانى كورد يەكەم ئارمانجيان پارچەكردن و پەرتەوازەكردنى جەوانانە. دەيانەھوئىت برويان بشكىنن و لە سەر ناوى لىبرالىزم و ئازادى ساختە، بى پرنسىپى و بى ئەخلاقى، دوور لە رەگەزى كۆمەلگە پىشەخەن و جەوانان پەلكىشى كارەساتى تاكگەرايى بکەن. بە كورتى و بە كوردى؛ دەيانەھوئىت جەوانىك بە مىشكى فاسدى سەرمایەدارى بوئاد بنىن. بۇيە دەبى گەنجان ھوشيار بن و بە چەكى زانستى رېبەر ئاپۇ بەرەنگارى سىستەمى داپلۇسىنەر بىنەوہ و بەتايبەتیشبەرامبەر ھىلى خىانەت و نۆكەرى وريا و خاوەن پەرچەكردار بن. لە كاتىكدا لە رۆژھەلاتى كوردستان «پەژاك» لە سەر بنەماى فەكرى رېبەر ئاپۇ پىشەنگايەتى ئىرادەى ئازادى گەلى كورد دەكات و پەردەسەنئىت، دەيانەھوئىت بە رىڭگى ھەندىك ھىزى نۆكەر گەلى كورد بە لاپىدا بىن و لە ئامانجى بنەرەتى دوورى بکەنەوہ. ئاشكرايە ئەوہى پشتگىرى لەم جۆرە ھەولانە دەكات پارتى ديموكراتى كوردستانە. بەلام جەوانانى رۆژھەلات ھوشيارن و دەزانن «دوژمنى باو باپىران نابن بە دۇستى ئەمرؤ» ئەوانەى خىانەتئىيان لە قازى كرد و دەستىيان بە خوئىنى سولەيمانى موئىنى سوورە، ناتوانن گەلىك بخەلەتئىنن كە گەرمایى تىشكى رامانى رېبەر ئاپۇيان پى گەيىوہ. سەرەتاي سەرھەلدانى بزافى ئازادى لە دژى چىنى سەردەست و ئاغى ناو كوردان بووہ. چونكە ئاشكرايە، لە مىژووہوہ تا رۆژى ئەمرؤمان ھىلى خىانەت گەورەترىن ئاستەنگ بووہ لە پىشكەوتنى ئازادى و يەكىتى كوردان.

پىويستە گەنجان بەرامبەر

ھەموو جۆرە ھىرشىكى ئايدۆلۆژى و فىزىكى



رېښه رښانه وه...

د وینې...

له بهر سه هڅو ښه ندانی سروشت روق هه ښه هاتووم،

سیسبونم له بهر بیڼاوی سروشت نییه...

ئه وهی بومن جیگای غه مبارییه؛

ئه وهیه که هه ر بستیکی خاکی کورستان،

بوو هته که لاهوی گوڼه زه ر هه لگه ر اوه کان...

به لام نا، ئه مړو...

بوو هته جیگای ئاوانی و ژیاڼه وهی گوڼه وشکه کان.

ئه و گولاندهی هه ر که چاویان ده بهستن و چاویان هه لډین

خه ونی ریښه ریښه که ده توانی خه یالی گه لیک به دی بینیت

له و گولاندهی به خویتی شه هیدان ئاوان...

گوڼیکی سوور هه لډه گه ریښه وه!

چاوه کانی ده کاته وه و دست به قسه کردن ده کات و ده نیت

قه لاه و په ر اوه که م ده که مه وه و ده نوسم:

هه ر چرکه، هه ر کاژیر، هه ر روژ

ئه من ریښه ریښه که ده ویست که بتوانیت به سته لاه کینک له بور کانیگدا بتوینتته وه،

ئه من ریښه ریښه که ده ویست که چاوانی وه کوو تیشکی خور بدره وشیتته وه...

ئه من ریښه ریښه خوم دینته وه.

ریښه ریښه من ریښه ریښه نازالینیه

ریښه ریښه من ریښه ریښه

سر دله رښانه



لہ دڑی قہ کردنی

ژینگہ

کاتے تۆلہیہ





به پۇخى ۳۱ پدشەمەي ۱۳۷۷ بە شدارى ھەلمەتى

كاتى تۆلەپە بېيغ

تۆلەلدىن سارا



درېژە بە دەسەلاتدارى و داگىركارى خۇيان بدەن. بە دەرکەوتنى رېبەر ئاپۇ وەك پېشەنگ و رېبەرىك، دېسان داگىركەران لە بەر ئەوہى كە پېشتر بەو رېبازە ئەنجاميان بە دەست خستبوو، بە ھەموو ھىزى خۇيان ھىرشيان کرد و ويستيان ئەمجارەش وەکوو نمونەکانى پېشتر ھىز و دەسەلاتى خۇيان بە بېكارىگەر کردن و لەناو بردنى رېبەرايەتى نیشان بدەن. بەلام رېبەر ئاپۇ بە تېبىنەكى بەھىز، ھۇشيارىكى زۆر و دەرس دەرختن لە مېژوو، رې و رېبازى دووژمنى بە باشى دەزانى و بەرامبەر ئەو ھىرشانە بە باشى تەدبىرى گرت و ئەو ھىرشانەى پوچەل کردەوہ. رېبەر ئاپۇ ھەموو

بە درېژايى مېژوو دەسەلاتداران و داگىركەران بوئەوہى دەسەلات و داگىركەرى خۇيان لە سەر کۆمەلگا بەردەوام و زۆتر بکەن، ھەموو کات ھەوليان داوہ پېشەنگ و رېبەرانى کۆمەلگان لە ناو بېەن يانېش تەسلىمیان بگرن. ئەوہ ھەر بە دەرکەوتنى دەسەلاتدارى كە بە ئارمانج گرتن و ھىرش کردنە سەر ئىرادەى ژن كە پېشەنگ و رېبەرى کۆمەلگا بوو تائەو راپەرىن و سەرھەلدانانەى دواتر كە لە كوردستان پېش كەوتووہ ھەر بەو شىوازە بووہ و تا ئاستىكىش ئەنجاميان گرتووہ. داگىركەران و دەسەلاتدارانى كوردستان بە لەناو بردن و ھىرش کردنە سەر پېشەنگان و رېبەرانى گەلى كورد، وەك قازى موحمەد، كاك فواد، شىخ سەعید، سەید رەزای دەرسىم و دەيان پېشەنگى تر ھەوليانداوہ



کات پلانہ کانی دووژمن به باشی ده خوینیته وه، شیکاریان ده کات و بهو هوشیاریه وه مامه له ده کات. نهک ته نیا بۆ خووی به لکوو هه موو کات گه لیش لهو پلانانه ئاگادار و هوشیار ده کاته وه و چاره سه ری و شیوازی ته دبیر گرتیش ده ستیشان ئه کات. ئه و تایه تمه ندیا نه وا ده کات که گه لی کورد و هه موو گه لانی نازاد یخوواز باوه ری ته واویان به رپه ر ئاپۆ، فکر، فه لسه فه و رپه زه که ی ببیت و ئه و فکره وه ک تاکه رینگای چاره سه ری و رزگاری ببینن. به تایه ت بۆ گه لی کورد که به ر له ده رکه وتنی رپه ر ئاپۆ له ناو بئ هیوایی و بیچاره ییه کی گه وه دا بوون، گه لی کورد هه بوون، ئیراده و برۆای خووی له رپه ر ئاپۆ دا ببینه وه. دوژمنیش که ئه مه ی زانی به هه موو شیوه یه ک په ره ی به هیره که کانی دا. بینگومان کاتیک باس له دوژمن ده که ین مه به ستمان ته واوی داگیرکه رانی کوردستان و به گشتی سیستمی مودیرنیته ی سه رمایه داریه. داگیرکه ران زانیان که ئه گه ر بیان هه ویت ده ست به سه ر ئیراده ی گه لی کورد دا بگرن و درپه زه به داگیرکاری خۆیان بدن، ئه وا گه وه ترین کۆسپ و له نگه ری به ر ده مییان؛ رپه ر ئاپۆیه. هه ر له به ر ئه وه ی رپه ر ئاپۆ رووی راسته قینه ی ئه و سیستمی ئاشکرا کردبوو و چاره سه ره که یشی پیش خستبوو، له ۱۵ شوباتی سالی ۱۹۹۹ به پیلانگیریه کی ناونه ته وه یی دیلیان گرت و راگویزی دورگه ی ئیمرا لیان کرد. گه لی کورد به بیستنی ئه م هه واله له چوار به شی کوردستان و ده ره وه به پیشه نگایه تی گه نجان رژانه سه ر شه قامه کان و به رق و قینیکی زۆر ئه م هیره یان شه رمه زار کرد. به ده یان که س ئاگریان له جه سته یان به ردا و به دروشمی «که س ناتوانی

رۆژمان تاریک بکات له ده وری رپه ر ئاپۆ بوون به باز نه یه ک له ئاگر. داگیرکه ران و پیلانگیران خۆیان دانییان به وه دا نا که له رۆژه لاتی کوردستان چاره وروانی کاردانه وه یه کی له م شیوه ی گه ل نه بوون به رامبه ر ئه م پیلانه.

به لام گه لی رۆژه لات به پیشه نگایه تی گه نجان له زۆربه ی شاره کانی رۆژه لات و ئیران له ۳ ره شه مه ی ۱۳۷۷ به دلسۆزیه کی گه وه بۆ رپه ر ئاپۆ و قین و نه فره تیکی گه وه به رامبه ر پیلانگیران رژانه سه ر شه قامه کان و خاوه ندار ی خۆیان دوویات کرده وه. گه لی رۆژه لات که شاهیدی له ناوچوونی ده یان پیشه نگ و رپه ر و سه ره له دانی کردبوو، به زانا بوونیک که رپه ر ئاپۆ پیشی خستبوو گو تیان؛ که ئه م چاره نو سه ده بی کۆتایی پبیت. چه ندین گه نج ئاگریان له جه سته ی خۆیان به ردا، به ده یان گه نج له هیره ی پۆلیسی رژی می ئیران که ده یانه ویست رینگری له و خۆپیشاندانانه بکه ن گیانیان له ده ست دا، به سه دان گه نج ده ستبه سه ر کران و دوواتریش به هه زاران گه نجی رۆژه لات پۆل پۆل رویان له چیا نازاده کانی کوردستان کرد. ئه م هه لویتسه ی گه نجانی رۆژه لات پیلانگیران و داگیرکه رانی تووشی سه رسورمان کرد و ئه وه خۆیان به راشکاوانه هاوردیان سه ر زمان و دانیان پئ دانا. ئه م هه لویتست و کاردانه وه ی گه لی کورد به تایه ت گه نجان و ههروه ها سه کن و به ر خۆدانی رپه ر ئاپۆ و ته دبیره کانی، وایکرد که پیلانگیران نه توانن پیلانه که یان به ته واوی جیه جئ بکه ن، که ئامانج لئ ته سفیه کردنی فیزیکی رپه ر ئاپۆ بوو. گه لیکی به ریکخستن بووی، به ئیراده و هوشیار که له ئه نجامی ره نجی به سالانه ی رپه ر ئاپۆ دروست بوو ئیدی وه ک قه ده ر چاوی له و رووداوانه نه ده کرد، به لکو ده زانییت له که سایه تی رپه ر ئاپۆ دا ده یانه ویت گه لیکی ته سلیم بگرن و له ناو به ن. به لئ، له ئه نجامی وه ها هیره و پیلانگیریه ک رپه ر ئاپۆ دیل گیرا و تا ئیستاش سیستمی گۆشه گیری و ئه شکه نجه ی ئیمرا لی به ر ده وامه. به لام رپه ر ئاپۆ سه رباری هه موو ئه و هیره و گۆشه گیری به رینگا و رپه زای تایه ت به خووی له و هه ل و مه رجه دا باشتر رووی راسته قینه ی ئه و سیستمه ی ئاشکرا کرد و ده مامکه که یانی خسته خواره وه، چاره سه ری بۆ رزگاری له و سیستمه و هاوکات ئالترناتیفه که ی دانا. رپه ر ئاپۆ له که سایه تی ژنان و گه نجان دا گه لی کوردی کرد به خاوه ن

ئەو تەنیا بۇ گەنجانىك نىە كە رېبەر ئاپۇ دەناسن و باوهرىان پىئ ھەيە، بەلكو بۇ گەنجانىكىشە كە رېبەر ئاپۇ باش نانسن و نەيانخوئندووہتەوہ، يا حەتا دەبى كە دژايەتیشى بكنەن. راستيەكە و ئەوانيش بە شىوازيك ترووسكى رووناكى رېبەر ئاپۇيان بەر كەوتووہ. بۇ نموونە ئەگەر دووژمن ناتوانيت سەرورەرى خۇى بە تەواوى راگەيەنيت و جاش و سيخوورى بە پارە بۇ دژايەتى نرخ و بەھاكانى گەل پيش دەخات، ھۆكارەكەى ھەبوونى رېبەر ئاپۇ و ئەو بزافەيە كە دايمەزراندووہ. يان ئەگەر دووژمن دەرفەت بە حيزب و لايەنى تر و بەرەى خيانەت دەدات و گۆرەپانيان بۇ ئاوەلا دەكات بۇ ئەوہى كە دژى بزاقى ئازادى بوەستەنووہ، بە ھۆى بەھيىزى فكري رېبەر ئاپۇيە. بۇيە ئەوانەش بە شىوازيك قەرزارى رېبەر ئاپۇن ئەگەر نا نۆكەر و خۇفرۇشان ھيچ نرخيكيان لاي دووژمن نيە. بۇيە ھەموو كەس بە تايەتى ئيمەى جەوان لە بەرامبەرى دۆخى رېبەر ئاپۇ بەرپرسيارين. ئيمەى جەوان دەبى ئەوہ باش بزانيان تاوہكو ھيرش لە سەر رېبەر ئاپۇ ھەبیت و رېبەر ئاپۇ فيزيكى

ھيىز، ئيرادە، باوهرى و ھەرورەھا بە پيشەنگايەتى ژنان و گەنجان خاوەنداريەكى بەھيىز لە رېبەر ئاپۇ كرا و ئيستاش دەكرى. ھەر بۇيە دووژمنيش زۆرترين ھيرشى خۇى لە كۆمەلگادا بە رېيازى جياواز لە سەر ژنان و گەنجان پەپرە دەكات دەكات.

ھەر بۇيە جەوانانى رۆژھەلاتى كوردستان ھەلمەتى «كاتى تۆلەيە» يان راگەيانەد كە ئارمانجى سەرەكى ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپۇيە. چونكە وەك تاكيكى كورد و بە تايبەت گەنجى كورد، قەرزدارى رەنجى رېبەر ئاپۇين. ئەگەر تىكۆشانىكى بى وئنە ھەيە لە پىناو ئازادى، ئەگەر سەربارى ئەو ھەموو شەر و ھيرشانە ھيوايەكى گەرورە ھەيە بۇ گەيشتن بە ئازادى، ئەگەر دەتوانين باس لە ناسنامەى خۆمان وەك كوردىك بگەين، ئەگەر ژنى كورد بوەتە ھيمايەك بۇ ھەموو ژنانى جيھان، ئەگەر تەفگەرى ئازادى كوردستان بوەتە ھيوايەك بۇ مروفايەتى، ئەگەر سەرەراى ئەو ھەموو سىدارە و ئەشكەنجە لە زىندانەكان بەرخۇدان بەردەوامە، ئەگەر سەرەراى ئەو ھەموو خوئنەى لە شەقامەكان رژاوە بەرخۇدان ھەر بەردەوامە، ئەگەر گەنجىك ئامادەيە بە جيگاي جاشايەتى و سيخوورى بۇ دەولەت كۆلبەرى بكات، ئەگەر بە ھەزاران گەنج خۇبەخشانە لە پىناو پاراستنى ژينگە سەرەراى ھەموو زەحمەتيەكان بى و وچان كار دەكەن، ئەگەر سەرەراى ھەموو گوشارەكان توانيومانە زمان و كلتورى خۆمان بپاريزين و بەكارى بەيئين، ئەگەر رەنگە جياوازەكانى كۆمەلگە سەمفۆنى ئاسا

بەيەكەوہ بۇ ئازادى تيدەكۆشن، ئەوہ لە سايەى تىكۆشان و بەرخۇدانى رېبەر ئاپۇ، كە تەواوى ژيانى خۇى لە پىناو ئازادى گەل و نيشتمان و مروفايەتى تەرخان كرددووہ، پيش كەوتووہ.



ئازاد نەبىت، ھېرشى سەر جەۋانان بە ھەموو شىۋەيەكى ۋەك؛ مادەى ھۆشبەر، پىشخستى بى ئەخلاقى بە ناۋى جىاواز جىاواز، سىدارە، بىكارى، مەجازى كردنى ژيان، بى ھىۋايى و... ھتد بەردەوام دەبىت. بىگومان بەرخۇدان و تىكۆشانىكى گەورە ھەيە، بەلام تا ئىستاش رېبەر ئاپۇ لە ناو سىستەمى قركەرى ئىمرالىيە، بۇيە دەبى ھەموو گەنجانى كورد بە تايبەت گەنجانى رۇژھەلاتى كوردستان، ھەلوئىستىكى بەھىز و تىكۆشانىكى گەورە كە گۆشەگىرى سەر رېبەر ئاپۇ بشكىنى و ئازادى فىزىكى رېبەر ئاپۇ مسۆگەر بكات، نىشان بەدن.

دەستپىكردنى ھەلمەتى كاتى تۆلەيە لە

بەمادا ھەلوئىستىكە بەرامبەر بى ھەلوئىستى و ھەلوئىستى لاواز، لە دژى گۆشەگىرى و ئەو ھېرشەى لە كەسايەتى رېبەر ئاپۇ دا بەرامبەر گەلى كورد و جەۋانان دەكرى.

جەۋانانى رۇژھەلاتى كوردستان دەبى بە رۇحى ۳ رەشەمەى ۷۷ بە بەشدارى كردن لەو ھەلمەتەدا ئەرك و بەرپرسىارىيەتى مېژوۋىيى خۇيان بەجى بىنن. ۋەك چۆن گەنجان لەو كاتەدا بە رق و قىنپىكى زۆر ھەلوئىستى خۇيان ديار كرد و خۇيان كرد بە بازنەيەكى ئاگرىن لە دەورى رېبەر ئاپۇ، گەل و نىشتمانەكەيان لە پىلانپىكى قركردن پاراست، دەبى ئىستاش بە ھەمان قىن و نەفرەت، بۆ تۆلەى دەيان گەنجى قارەمان كە گيانى خۇيان كرده ئاگر ئەم ھەلمەتە بەگەيەننە ئامانجى خۆى، كە ئازادى فىزىكى رېبەر ئاپۇيە. بىگومان ھەموو جەۋانپىك دەتوانىت لەم ھەلمەتەدا جى بگرى و بە ئەركى خۆى ھەلسىت. بەلكو پرسىار ئەوۋە بىت كە جەۋانان چۆن دەتوانن لەم ھەلمەتە جى بگرن و چى دەبى بگەن؟ باسمان لەوۋە كرد كە ھىرش لە سەر رېبەر ئاپۇ لە ھەمان كات دا ھىرش لە گەلى كورد و كۆمەلگايە و بىگومان پىچەوانەكەشى ھەر وايە. وانا؛ ھىرش لە سەر گەل و كۆمەلگا ھاوكات بەردەوامى

ھېرشەكانى ئىمرالىيە. ھەر بۇيە جەۋانان دەتوانن بە شكاندى ئەو ھېرشانەى كە لە سەر كۆمەلگا و جەۋانان دەكرى بەشدارى ئەم ھەلمەتە بىن. بۆ نمونە دوژمن بە رىگاي مادەى ھۆشبەر و بى ئەخلاقى دەيەھوئى ھېرشى جەۋانان بكات، جەۋانانىش دەبى ئەو كەسانەى كە ئەو كارانە دەكەن سزا بەدن. ناكرىت بەھلىن ئەو كەسانە بە ئاسانى لە دىھات و كۆلان و شارەكانمان بژىن و ژيان بشىۋىنن. دوژمن دەيەھوئى جەۋانان فىرى سىخورى و موخبرى بكات، جەۋانانىش دەبى ئەو موھرانەى دوژمن كە جەۋانان تەشۋىقى ئەم كارانە دەكەن بە ئامانج بگرن. ناپىت بەھلىن ئەو كەسانە ئاسوۋدە بژىن. كەسانپىك كە بە شىۋەيەكى بەرنامە بۆ دارپژراۋ كارى لە ناو بردنى ژىنگە دەكەن و لە لايەن دەولەتەۋە پشتيۋانى دەكرىن، بى شك روۋبەرۋى تورەيى جەۋانان دەبنەۋە. ئەو خۇفروش و ئىتلاعاتيانەى كە دەستيان لە شەھىدبوۋنى دەيان جەۋانى كورد ھەيە چۆن دەبىت بە ئاسايى لە ناو شار و دىھاتەكان دا بەگەرىن؟ ئەم كەسانە دەبى لە ترسى جەۋانان خەو نەچىتە چاۋيان. ھەلمەتى كاتى تۆلەيە ھەلمەتىكى پراتىك و كردارىيە، ھەر جەۋانپىكى كورد دەبى پىش ھەموو شتىك و بەر لەۋەى لايەن و كەسى تر تاۋانبار و رەخنە بكات، خۆى پىرسىت من تا ئىستا چىم كردوۋە؟ لەمە بەدوا دەبى چى بگەم؟ پىۋىستە بەو ھۆشمەندى و بىركردنەۋەيە بەشدارى ئەم ھەلمەتە بىن. دەبى ئەم پرسىارانە بە باشى و بە پىي قۇناغپىكى مېژوۋىيى كە تىپداين ۋەلام بەينەۋە و ھەرۋەھا ۋەك جەۋانپىكى كورد كە خاۋەن مىراتى ۳ رەشەمەى ۷۷ و خاۋەنى رېبەرپىكىن كە ھەموو ژيانى خۆى بۆ ئەۋە تەرخان كردوۋە كە ژيان و ۋلاتپىكى ئازادمان ھەبىت و ئىستا بەرەو ۲۷ سال دەچىت، كە لە ژىر گۆشەگىرى ۋەشكەنچەدايە، ئەركى خۇمان بەجى بىنن. ھەلمەتى كاتى تۆلەيە بەگەيەننە سەر كەوتن و خەيالى بە سالانى گەلەكەمان بۆ ۋلات و رېبەرايەتپىيەكى ئازاد مسۆگەر بگەين.



سەمبولى گەنجان

« ھېمىن يېگەس »

ھاۋرى ئاۋىر



رووداۋانە بى دەنگ و بى ھەلۋىست بىمىنى، ھەر بۇيە بە ئاشنا بوون لە گەل بزاقى ئاپۇيى و دوا بە دواى پىلانگىرى ناۋنەتەۋەبى لە دژى رېبەر ئاپۇ، راستى و حەقىقەتى ئەم بزاقە و رامانى رېبەر ئاپۇ باشتر دەناسىت و ھاۋكات ۋەك ھەلۋىستىك بەرامبەر بە پىلانگىران و سەرجم ئەو كۈنەپەرەستانەى خۇيان رادەستى ئەم چارەنۋوسە كىردبوو، بى دوودلى بۇ بەدەپىنەنى خەيالەكانى مندالى و ژيانىكى ئازاد، روو لە چىا سەرکەشەكانى كوردستان دەكات. بە جۇش و خرۇشىكى گەۋرە و رۇحى گەنجىتە، دەبىتە سەرچاۋەى ھىز بۇ ھەقالانى و بەو پەرۋەردەيەى كە ۋەرىگرتوۋە گەۋھەرى راستەقىنەى خۇى ۋەك گەنجىكى كورد بەرجەستە دەكات و كارىگەرىيەكانى دوژمن لەكەسايەتى خۇيدا دەسپرىتەۋە. بە ئىرادە، چالاکبوون و بوپرى، ھەموو ئەرکەكانى بە

حوسەين خزرى، تىكۆشەرىك كە لە رېگای ئازادى گەل و نىشتمانەكەى سەرى دا بەلام سەرى دانەنۋاند. بېگومان ئەۋە بەرھەمى رەنگدانەۋەى كۆمەلگاكەى بوو، كە بە سالان ۋلات و نىشتمانەكەى لە ژىر زولم و ستەمىكى نامروفانە دەنالېنن. گەنجىك كە كە ھەر لە تەمەنى مندالىۋە ئەلف و بى رەنجدان فىر دەبىت و رەنج دەبىتە ھىماى ژيانى. ئىش و ئازارى گەلەكەى ھەر لەو تەمەنەدا ھەست پى دەكات و دەزانى ملھور و دەسەلاتدارەكان لە سەر رەنجى گەل دادەنىشن و گەلى كورد ۋەك كۆيلەى خۇيان بە كار دەھىنن. لە نىكەۋە دەبىنەت كە چۇن سنوورە دەستكردەكان بوۋتە ھۇكارى پارچەكردنى ۋلاتەكەى و رۇژانە ھاۋلاتيانى تىدا دەكوژرىن. شەھىد ھىمىن ھەمىشە لە لىكۆلىن و لىگەرىن دابوو. نەيدەتۋانى لە بەرامبەر ئەم

هيمن بيكس ده توانن ئهو ئيراده يه بشكيتن، به لام ئهو شوپشگيره بو چركه ساتيكيش نه يهيشت دوژمن دل خوش بيت و به ميراته يه ك كه له زنداني ئامه ده وه و هري گرتبوو، زنداني ئورميه ي كرد به قه لاي بهر خودان، شه هيد هيمن ئهو گه نجه يه كه تا دوا نه فسه ي ژياني له هيو و ئوميد له ژياني ئازاد دانابريت، بو ئه وه ي كه به سه ره رزي بژي و رېگاكه ي به تروپكي سه ره كه وتن بگه به نيت، له به نديخانه ده بيته فيركه ري بوپري و بهر خودان. له وي ده خوينا ته وه و ئه وه ي كه فير ده بي و ده زاني، فيري هاو به ندييه كاني ده كات. كاتي كه برياري له سيداره داني ده دريت و هها ده لي: برياريك كه به سه رمدا سه پينا وه پيي سه ره رزم، له بهر ئه وه ي له پينا و مافي ره واي نه ته وه كه م له سيداره ده دريم و به له سيداره داني من و هاوشيوه كاني من مهرگي رژيي نزيك ده بيته وه و ههر له سيداره دانيك ده بيته هوي لفاوي رق و توله و نه فره تي گهل به رامبه ري رژيمي سيداره. شه هيد هيمن ده بيته سه مبولي بوپري، خوراگري و تيكوشان. ده بيته ري نيشانده ريك بو جه واناني كورد و چقلي چاوي دوژمنان و خيانه تكاران.

هيمن بيكس بو تا هه تا به ده بيته رنيشانده ر و قبيله نماي جه واناني روزه لاتي كوردستان

سه ره كه وتووي به ئه نجام ده گه يه نيت. شه هيد هيمن باوه ري ته واوي به هيز و تواناي كومه لگا به تا به ت جه وانان هه بوو، له و باوه ردا بوو هيج ده سه لات و داگير كه ريك تواناي رو به رو بوونه وه و تيكشكاندي ئيراده ي گه نچ و كومه لگايه كي هوشيار و به ريكخستنبووي نيه. ههر بو به كار و تيكوشاني به رده وام بو پيشخستني خه بات، به تا به ت له بواري پهروه رده كردن و ريكخستن كردني جه وانان و كومه لگا بوو و ئه وه ببوو به به شيكي بهر چاو له كه سا به تي و گه وه هري ئهو شوپشگيره. شه هيد هيمن روليك ي بهر چاوي هه بوو له دامه زراندي كومه لگاي جه واناني روزه لات «كه جه ره» و وه ك مزگيني مه لبه ندي ئازادي بو گه نجاني ده بيني و به هيلانه ي باوه رو هيو و ناواته سه ره رزه كاني گه نجان پيناسه ي ده كرد. دروشمي «به جه واناي ده ستان بيكرد و به جه واناي سه رده كه وين» له هزريدا ده نه خشينيت، كه هه وين و هاوتاي؛ هه تا هه تا يي گه نچ بوون له تيكوشان دا به.

له و فله سه فه يه دا فير ده بيت كه جيا له سه ره كه وتن بژارده به كي تر بو خو ي په سهند نه كات. له و ريگايه دا هيج كوسپ و ته گه ره يه ك ناتواني بيته رېگر له گه يشتن به ئامانجه كاني، شه هيد هيمن به پروا و ئيراده يه كي پولا يين بوه موو گرفته كان ده بيته چاره سه ري. ههر بو به كاتي ك كه له شاره كاني روزه لات خه ريكي ريكخستن كردني جه وانان و رزگار كردنيان له بن كاريگه ري رژيمي داگير كه ري ئيران دا كار ده كات، دوژمن به بووني ده زانيت و ترس و خه وف يكي مه زن ده كه ويته دلي دوژمن و هه موو هه ولي خو ي ده خاته گه ر بو بيكاريگه ر كردني. تاريك په ره ستاني كوماري ئيسلامي وا يان ده زاني به گرتني شه هيد



ھەنگاۋ بەررەو

ئازادى

باھۆز لەشكەر



من بۇ يەكەمىن جار بوو دەچووم بۇجىگايەكى تر بۇ ئەوھى كارىك بىكەم و بگەرېمەوھ. كاتژمىر سىي دواى نيوەرۇ بوو، ئاسمان ھەور داي گرتبوو و لە پشتى ئەو ھەورانەوھ رووناكى رۇژ دەترووسكايەوھ. ئاخىر ھەورەكان چەندە پەشيش بن ناتوانن رووناكى رۇژ بشارنەوھ. باران نەمە نەمە دەبارى، گەلای زەردى دارەكان دەنكە دەنكە دەكەوتنە خواری. بەرې كەوتىن وەك گرېلايەك روانىنە سروشت و بە رېگا دا رۇيشتن بۇ من ھەستىكى زۇر جياوازی ھەبوو، دواى دوو كاتژمىر رېگا رۇيشتن ھەقال جەنگاۋەر لىي پرسىم: "تۇ تا ئىستا لەناو گەريلادا فيشەكت تەقاندووه؟" من وەلامم دايەوھ: "نا نەم ھاويشتوھ". ئەويش چەك گرتنى نشانم دا و فيرى كردم چۇن نیشان بگرم. ھاوكات شىوازی خو پاراستنى فير كردم، ئەوھى كە دوژمن بىت چۇن خوۋم بيارىزم و پشتى قسەكانى رېبوارىيەكەمان درىژە پىدا.

بەر لەوھى كە بگەينە شوپنى ديارىكراو، مژ و تەم پيش چاومانى گرت و رېگامان لى ون بوو. دواى ماوھىەك توانيمان شوپنى خوۋمان بدۇزىنەوھ و واى ليھات كاتژمىر بوو بە ھەشتى شەو و گەيشتىنە شوپنى ھەقالان. شەوى تاريك و دۇلىكى چۆل و كەس گويى لە ھاوارمان نەبوو، تەنيا خوۋمان و چەكى دەستمان مابوينەوھ و دەنگى ھەناسەى ھەقال

جەنگاۋەر بۇ من بىوو بە موسيقاۋ ھەستەم بە ئازادى دەكرد. فكرم دەكردەوھ ئەوھى كە من و ھەقال جەنگاۋەرى ھىناوھتە لاي يەك چيە؟ كەسىك كە من بە خەونيش نەمبىنيبوو بەلام ئەورۇ بووينە ھەقالى تىكۇشان. بېگومان وەلامەكەى ئامانجى پىرۇز و رامانى ئازادى رېبەر ئاپۇيە. بۇيە ئەوھ منى ھان دەدا كە ھەول بدەم زياتر رېبەر ئاپۇ بناسم و تىكۇشانى خوۋم گەورەتر بىكەم و فكمو رامانى رېبەر ئاپۇ بە ھەر كەس بناسىنم. ھىشتا لەو بىرانەدا بووم، كاتىك ھەقال جەنگاۋەر بانگى كردم و گوتى وەرە شوپنى ھەقالانم دۇزىيەوھ. چاومان لى كرد تەنيا يەك چراى نەوتيمان دۇزىيەوھ. بەلام لەو شوپنە ھەقالى لى نەمابوون بۇيە ئىمەش كەمىك خوۋمان

بۆيە فەلسەفەي ژيانى ئىمەش پارچەيىك نان
 و جلو بەرگىكە، شتىكى زۇرتىر نىە و ناخوازىن.
 ئەو فەلسەفەيە مرۇف جوان دەكات و فيرى
 خۇشەويستى دەكات، كاتىك مرۇف شتى زۇرى
 داوا نەكرد بۇ بەرژەونەندى تاكە كەسى، ھەر
 كەس ھەز دەكات كە لەگەلدا بژيىت، چۇن
 كاتىك كەسيك بەرژەونەندى تاكە كەسى بۇ
 گرىنگ نەبوو، خۇبەخشەو نىەتى پاكە. ھەر
 ھەنگاويىك كە دەرۇشتىن گوتنىكى رىبەر ئاپۇ
 دەھاتەوە بىرم و منىش بەو ھەستەوە ژيانم
 دەكرد. ھىوام ئەو بوو كە رۇژىك رىبەر ئاپۇ
 جەستەيى ئازاد بىيىت و بەو شىوازە پىكەوە
 بژىن و فيرمان بكات كە چۇن ژيانىكى
 راست بژىن و سەرىكەوين. ئەو بىر كەندەوە بە
 ھىزى پىمان دەدا و ھەر زەھمەت يىك دەھاتە
 بەردەممان لە بەرامبەر ھىواي ئىمە وردوخاش
 دەبوو. چونكە رىبەر ئاپۇ دەبىژىت: «**ھىوا**
لە سەركەوتن بە نرختەرە.» ئەو ھىوايەش
 ھىزى رىبەر ئاپۇيە كە ئىمە فيرى ژيان
 دەكات، چۇن بژىن و بۇچى بژىن؟

گەرم كەردەوە و رىنگاي خۇمان بەردەوام كەرد.
 ھەقال جەنگاۋەر گوتى دەچىن بۇ شوينىكى
 دىكە كە ھەقالى لىن لەوئى ئىمە دەبى كارى
 خۇمان پىك بىنن و بچىنەوە، ھەر لەو كاتەي
 دا كە ھەقال جەنگاۋەر گوتنەكەي تەواو نەبوو،
 شەھىد كەمال پىر ھاتەوە بىرم، كاتىك رىبەر
 ئاپۇ كاريكى پى دەسپارد تا ئەو كاتەي بە
 سەركەوتوبى نەيكەردبايە نەدەچۇوە لاي رىبەر
 ئاپۇ. ئىمەش گوتمان رىكخستىن ئەو كارهى
 بە ئىمە سپاردوۋە و دەبى ئەنجامى بدەين
 و سەرى بخەين. ماۋەيەكى درىژ بوو كە
 خواردنمان نەخواردبوو، تەنيا چەند پارچەيەك
 نان لە جانناماندا مابوو بۇيە زۇر بە تامەوە
 خواردمان. لەو كاتەشدا رىبەر ئاپۇ ھاتەوە بىرم
 كە دەلى؛ ژيانمان دەبىت دەرۋىشانە بىت، بە
 ھەر شت قەناەت بكەين.





درخت بلوط

نام سرده‌ای از درختان خانواده‌ی راشیان و همچنین میوه آنهاست. درختان بلوط عمری طولانی دارند که گاه به دو هزار سال نیز می‌رسد. درخت بلوط در زبان کوردی به نام به‌رو شناخته می‌شود بیشترین تنوع گونه‌ای آن در رشته کوه‌های زاگرس و بخش‌های مختلف کوردستان را پوشش می‌دهند. در دیگر مناطق جهان نیز از تنوع دیگر درخت بلوط را شامل می‌شود. درخت بلوط در کوردستان نه تنها به عنوان درخت معمولی بلکه در آثار باستانی منطقه کوردستان و همچنین در میان خلق این منطقه همیشه به عنوان نماد باروری و زندگی دیده شده و مداوماً آن حفاظت شده است. و از برگ و میوه و ریشه آن همیشه بهره گرفته شده است.

تکثیر: تکثیر طبیعی این درخت از طریق کاشته شدن میوه آن صورت می‌گیرد. جوندگان خانواده سنجاب جهت ذخیره‌سازی میوه بلوط برای فصل زمستان آن را در عمق مناسبی دفن می‌کنند. فراموش کردن جای برخی از این میوه‌ها توسط سنجاب‌ها باعث می‌شود که در بهار سال بعد جوانه بزنند. انواع درخت بلوط: دارمازو بیشتر در مناطق کرماشان و دالاهو دیده می‌شود. -یوول در دامنه‌های شاهو و کوسالان و مریوان و اورامانات داده می‌شود-بلوط زاگرسی در مناطق لرستان و یاسوج دیده می‌شود. -بلندمازو و اووری که در مناطق معتدل و مناطق شمالی شرق کوردستان و گیلان و مازندران به چشم خورده می‌شود. - همانطور که می‌دانیم درخت یکی از اجزای تنفسی و حیاتی کره خاکی ما می‌باشد و درخت بلوط نیز با ریشه و عمر طولانی و سرسبزی خود جغرافیای منطقه را از سیل، افات، تغذیه منابع سفره‌های زیرزمینی و ... را در خود به وجود می‌آورد. در کوردستان و ایران منطقه وسیعی را جنگل‌های بلوطی شکل داده است. سالانه صدها تن از این درخت برای فروش زغال، زمین‌های رانت خواری و آتش سوزی‌های به عمد از طرف دولت-ملت‌ها. از بین می‌روند. برای این نیز گروه‌های مردمی و طبیعت دوست سالانه با شهادت و جانفدایی خود از این جنگل‌ها محافظت می‌کنند.

پروستور در بند

- سر آهنگ

همه چیز را آشکار کن و داستان را بر ایمان بگو، زئوس تو را به چه گناهی گرفته است؟
که اکنون اینگونه سخت و ناسزوار تو را میآزارد؟ اگر میتوانی ما را نیز بیآگاهان

- پرومته

گفتن ماجرا موجب رنج است و نگفتن آن نیز دردناک. سراسر نامرادیست.
آن روز خشم در دل ایزدیان خانه کرد، دو گروهی برخاست و ستیز و آویز رخ نمود،
جمعی بر سر تباهی کرونوس و فرمانروایی زئوس بودند و دیگران بر ضد فرمانروایی او بر ایزدیان.
در آن زمان برادرانم غولها، فرزندان آسمان و زمین به اندر زای خردمندان من گوش فرادادند.
از سر غرور نیرنگ های اندیشه را به هیچ گرفتند و پنداشتند،
کسی را پروای فرمانروایی زورمندان نیست. مادرم تیس یا گئا- یگانهای با نامهای چندگانه
بارها به من گفته بود که مشیت آینده چیست:
به روزی سرنوشت از آن زورمندان نیست. و اندیشه سرچشمه پیروزی و توانایی است.
اما چون این همه را به آنها گفتم. سخنانم را شایسته شنیدن ندانستند. بیگمان بیماری
جدایی ناپذیر خودکامگی است. اکنون به پرسش شما میپردازم و فاش میکنم که او به چه گناهی مرا
میآزارد. چون زئوس بر تخت پادشاهی پدر نشست، سلطنت خویش را بیاراست.
اما به هیچ روی در اندیشه انسان بسیار رنج دیده نبود و در سر میپوراند
که تمامی نژاد وی را تباه کند و به جای آن تراژدی نو بیافکند.
تنها من با چنین اندیشههای همدستان نبودم پس به ضد او در ایستادم و آدمیان
را از نیستی و فروافتادن به دوزخ رهاندم.
بدین سبب اسیر محنتی هستم که تحمل آن دردناک و دیدار آن دلخراش است.
اهرگز نمیپنداشتم که در غم آدمیان بودن سرچشمه چنین اندوهی باشد.
ولی همچنان که میبینید گرفتار زنجیرم و منظر من مایه زشت نامی زئوس است.



نامه رفیق زینب درباره انزوای رهبر آیه

بی‌رحمانه وجود کوردها را انکار کرده و آنان را کشتار می نمود، تنها کسی که برعلیه این دولت فاشیستی سر بلند کرد، رهبر عبدالله اوچلان بود. بی شک افکار ایشان می‌اندیشم، قلبم به درد می‌آید که چرا جهان ما دیگر هنگام ایشان را درک نمود، ایشان از جوانی، آزادی خانواده و تمامی تعلقات مرسوم گذشته و با ارائه‌ی تعریف نوینی از این اصطلاحات سعی نمود خلق کورد و سایر خلق‌ها را به حقوق برحق خویش نایل کند، دولت فاشیست ترکیه با پشتیبانی دولتی همچون آمریکا و اتحادیه اروپا به شکلی ناجوانمردانه این شخصیت آزاداندیش را به اسارت گرفته و بیست و شش سال است که در یک جزیره زندانی نموده، تمامی محدودیت را بر ایشان اعمال کرده است، دنیا شاهد است که این محدودیت‌ها نیز قادر به محدود کردن افکار

از پشت دیوارهای زندان به تمامی آزادی خواهان من زینب جلالیان، یک زن آزادی خواه سیاسی هستم که بخاطر افکارم در زندان بسر می‌برم. افکار من الهام گرفته از پارادایم فکری رهبرم، عبدالله اوچلان، هستند که ایشان نیز ۲۶ سال است بخاطر افکار و آزادی خواهی شان در اسارتی غیرانسانی نگه داشته می‌شود. وظیفه‌ی اصلی و اخلاقی خود را می‌دانم که در کمپینی شرکت کنم که برای آزادی جسمانی رهبرم به راه انداخته شده است. درود می‌فرستم بر بزرگوارترین آزاده جهان که مشق آزادی به من آموخت و آزادی را برای این اندیشمند و انسان عظیم خواستارم. در آن هنگام که سرزمین مادری ما خاورمیانه و قلب آن کوردستان تبدیل به گورستانی شده بود که مردگانی سرپا ایستاده در آن سر می‌بردند، در آن هنگام که دیگر کسی یا نیرویی برای مبارزه و جنگیدن در برابر دشمنان یا راه مقاومت را نداشت، بویژه در باکور کوردستان رژیم فاشیستی ترکیه

است پس برای صیانت از اندیشه، بر آزادی ایشان اصرار ورزیده و در چهارچوب آن شعار برای ایرانی دموکراتیک، از تفکر و انسان آزاد حمایت و حفاظت نماییم. به همین دلیل از تمامی زنان و جوانان به ویژه اندیشمندان، آکادمیسین ها، هنرمندان، تشکلات اجتماعی، حقوقدانان، تشکلات زیست محیطی، فمینیست ها و خلق کورد و خلق های آزادی خواه ایران خواستار حمایت از آزادی رهبر عبدالله اوجالان هستیم.

شرکت در کمپین آزادی جسمانی برای ایشان هستیم که در سرتاسر جهان آغاز شده و توسعه یافته است. زن جهت اینکه خلق های ساکن در ایران نیز مانند سایر ملت های دیگر برای حل بنیادین مسائل خویش نیاز به چنین تفکراتی دارند. پس به جاست تمام تلاش خود را برای آزادی و رفع محدودیت های اعمال شده بر رهبر عبدالله اوجالان روایی دارند. مادام که رهبر عبدالله اوجالان در راه انسانیت و برای همه ما در سخت ترین شرایط در جزیره امرالی مقاوت و مبارزه نموده و اساس تفکر ایشان بر آزادی زنان استوار است، پس این حمایت در چهارچوب مبارزه با مردسالاری خواهد بود که بدون شک نیاز تمامی جامعه اعم از زنان و مردان است. دعوت می‌کنم تا با شرکت در کمپین آزادی جسمانی برای رهبر عبدالله اوجالان وظیفه انسانی خود را انجام

دهیم. قطعاً آزادی ایشان، آزادی همه ما به ویژه زنان مبارز خواهد بود.

و اندیشه‌های ایشان نگردید. رهبر عبدالله اوجالان در امرالی همانند گوه‌ری درخشید، زیرا در زندان امرالی افکار نوینی را شکل داده و ارائه کرد، سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک را همچون آترناتیو دولت های منطقه ارائه نمود، مردم منطقه از طریق این سیستم دموکراتیک قادر می شوند به حق و حقوق خود برسند و همزیستی مسالمت آمیزی داشته باشند. به این شکل منافع دولت ها به خطر می‌افتد، به همین سبب دولت فاشیست ترکیه به نمایندگی از تمامی دولت ملت‌ها فشار خود را علیه رهبر آزاد اندیشان عبدالله اوجالان بیشتر و بیشتر کرده‌اند. اما علی‌رغم این همه فشار و محدودیت ها، ایشان همچنان محکم و استوار در راه آزادی راهکارهای خلاقانه ارائه نموده اند، همچون یک رهبر و اندیشمند، جان عزیزشان را برای ملت‌ها در برابر هرگونه وحشی‌گری دشمن سپر کرده اند. پشتیبانی و دفاع از ایشان، در حقیقت دفاع از عدالت، برابری و آزادی است.

من زینب جلالیان به خاطر دفاع از حق و حقوق خود و مردم سرزمینم هیفده سال است که در سخت‌ترین شرایط زندان به سر می‌برم. شرایط زندان را نیک درک می‌کنم. هرگاه انزوای تحمیلی علیه رهبرمان در امرالی را بشکنیم، تمام زندان‌ها را نیز در هم خواهیم شکست.

این ما زنان خواهیم بود که پیشاهنگی درهم شکستن نظام زندان‌ها خواهیم شد. در ایران زنان و تمامی خلق‌ها در حال شکل دادن به انقلاب هستند و شعار (ژن-ژیان-آزادی) که فلسفه آزادی ما زنان است را سر می‌دهند. این شعار اندیشه و فلسفه ای است که رهبر عبدالله اوجالان معمار آن





سارا سهیل مبارزه و عشق

کم کم نقش خود را در فعالیت ها و حرکت های چپ و سوسیالیستی ایفا می کند، تا سال ۱۹۷۴ که با جوانان راه آزادی خلق کورد آشنا می شود، برای اولین بار شهید مظلوم دوغان را ملاقات کرده و در شخص وی تحت تاثیر فکر و یدئولوژی گروه آپویی قرار می گیرد و در سال های ۱۹۷۶ به عضویت گروه در می آید. در سال ۱۹۷۸ در کنگره تاسیس حزب کارگران کوردستان پ.ک.ک به عنوان اولین زن در تاریخ ایجاد این خلق جای می گیرد.

رفیق سارا زندگی انقلابی خود را در حرکت آپویی یافت و به عنوان اولین زن در بنیاد نهادن حزب کارگران کوردستان در حرکت آپویی جای می گیرد. سکینه

جانسز از همان سنین هر لحظه زندگی خویش را، در راه خلق و آزادی فدا کرد و ثانیه ای از مبارزه دست برنداشت. رفیق سارا هنر مبارزه را اصل بنیادین زندگی اش قرار

ویان هه لو 

فرزند عصیانگر زمستان، زنی که در سرمای استخوان سوز به آتش زندگی مبدل گشت و در خفقان تاریکی فریاد پیروزی سرداد. رسالتش آزادی و احیای شرافت خلقی بود. او از دیار دردکشیده و عاصی درسیم، سارای درسیم بود. خداوندگار مبارزه و عصیان سوگند خورده بود به گرفتن انتقام خون گذشتگان، سارا انتقام تاریخی بود، رعبی بود بر دل دشمنان، نامش تیری بر دل ظالمان. سارا روحش را به آتش آزادی سپرده بود. سارا خداونگاری شد بر فراز قله ها و بزر عشق و حیات شد بر تن خاک رنج دیده کوردستان.

رفیق سارا (سکینه جانسز) زن مبارز که در سال ۱۹۵۸ در روستای تختی خلیل از توابع درسیم در خانواده ای بازمانده از قتلعام کورد های درسیم متولد شد. رفیق سارا در سنین نوجوانی با حرکت های چپ ترک آشنا و

داده بود و در این راه با عشق و امیدی عظیم به پیروزی با سختی‌ها رو به می‌شد. هر چقدر هم مردمان درسیم با قتل عام روبه رو شده باشد اما رفیق سارا نمونه‌ای شد که نشان دهد این مردمان هیچ‌گاه در برابر دشمن سرخم نکردند و روحیه‌ی مقاوم خود را از دست نداده‌اند. رفیق سارا از کودکی خود با حقیقت خلقش روبه شده و متوجه موجودیت دشمن در کوردستان بود.

بر واقعیت دشمن واقف بود به همین دلیل هم خود را برای مبارزه‌های دشوار آماده کرده بود، هدفش به مانند تشعشعات خورشید روبه طلوع برایش روشن بود و به واقعیت نزدیک، ذره‌ای ترس از دشمن در دلش نبود. روحیه مقاوم و شجاعت بی‌پایان وی در سال ۱۹۸۲ در زندان آمد (دیاریکر)، به مدت ۱۰ سال مقاومت رفیق سارا، زانوی دشمن را به لرزه درآورد و اراده وی برای آزادی، دشمن را شکست داد. استوره‌هایی که در زندان آمد آفریده شد در دل تاریخ با خون و عشق نویسانده می‌شوند. از مقاومت رفیق مظلوم، خیری، کمال و دیگر رفقا تا مبارزه بی‌امان رفیق سارا، همه و همه راه را برای انقلابی تاریخی هموار کردند. مقاومت آن‌ها نشان از

نیروی حقیقت فکر و فلسفه رهبر آبو بود. در زندان آمد رفیق سارا با بی‌رحمانه‌ترین شکنجه‌ها روبه‌رو شد اما حتی یک بار سرخم نکرد، تردید نکرد، نترسید و از ظلم بی‌پایان دشمن ناامید نشد. میدانست که هر چقدر دشمن ظالم و بی‌رحم باشد، عشق او به آزادی و حقیقت بیشتر است پس پیروزی از آن وی بود. مقاومت وی اجازه اظهار وجود به تاریکی دشمن را نداد، این تنها حقیقت مبارزه رفیق سارا بود که به داستان مقاومت تبدیل شد. حتی رهبر آبو در حق رفیق سارا این‌گونه می‌گوید:

«شهامت و فداکاری تو، تو را صد برابر من نیرومند ساخته است، این‌گونه به من نگاه نکنید درواقع من نمیتوانم یک درصد به اندازه سارا جسورانه عمل کنم.»

رفیق سارا تمام تلاشش را می‌کرد که شخصیت خود را برای آزادی و رسیدن به پیروزی آماده سازد. جستجو و کنجکاوی او برای آزادی باعث می‌شد صادقانه شخصیت خود را از نو بی‌آفریند، معنای آزادی راستین را یافته بود و مبارزه‌اش در راه این بود زندگی بر این مبنا برای همگان درست کند.

هیچ‌گاه در چهارچوب‌های معین شده توسط سردست و قدرتمدار قرار نگرفت، قید و بندها را نابود و با اراده آزاد مبارزه کرد. در زندان‌های دولت فاشیست ترک همیشه برای فرار از دست دشمن آماده بود، اسارت را قبول نمی‌کرد. زمانی که از او می‌پرسند که چرا فرار می‌کنی جواب می‌دهند: «وظیفه انقلابی من این است، من زندان را برای خودم قبول نمی‌کنم.» سردستی را نمیشناخت، زمانی که ژنرال دولت اشغالگر ترکیه، اسد اوکتای در زندان آمد از او پرسید: تو میدانی من کی هستم؟ رفیق سارا جواب داد: عجب، تو میدانی من کی هستم؟ من انقلابی هستم، گویی شما انقلابی‌ها را خوب

در زندان آمد رفیق سارا با بی‌رحمانه‌ترین شکنجه‌ها روبه‌رو شد اما حتی یک بار سرخم نکرد، تردید نکرد، نترسید و از ظلم بی‌پایان دشمن ناامید نشد

نمی‌شناسید.

شهید سارا اثبات کرد که با وجود جامعه‌ای مردسالار و دشمنی خون‌خوار اگر زنی بخواهد به آزادی اصرار کند یا ناگزیر است تنهایی بی پایان را انتخاب کند و یا دشواری‌های زندگی پیکارگر را متقبل شود که هر لحظه‌اش آکنده از مبارزه‌ای سوسیالیستی خواهد بود، راه دیگری برای زندگی با شرافت و آزاد وجود ندارد.

سکینه جانسز زنی که در انجام مبارزاتش خود را به جوهر حقیقی زن رساند، زنی که در کنار تمام عشق و احساسات و زیبایی‌های زنانه شخصیت از پولاد در خود آفریده بود و در طول زندگی انقلابی خود از هیچ تلاشی برای آفریدن زنانی به مانند خود دریغ نکرد. در نتیجه زحمات و تلاش بی وقفه‌ی رفیق سارا بود که امروز در کوردستان زنان با شرافت و اراده خود بی‌باکانه مبارزه می‌کنند برای آزادی. رفیق سارا خط زن آزاد را آفرید، زندگی‌اش را وقف سازماندهی زنان کورد زیرا قانع بود که آزادی جامعه به آزادی زن بستگی دارد و آزادی خود را در مبارزه برای آزادی تمام زنان جهان دیده بود.

به دور از تمام واپسگرایی‌های که ذهنیت مردسالار به هزاران سال به شخص زن تحمیل کرده است، به زنان اطرافش عشق ورزیده و برای سازماندهی آن‌ها از هیچ تلاش و فداکاری دریغ نمی‌کرد. زمانی که در زندان آمد با تعدادی از زنان انقلابی دیگر در حبس دشمن بودند با قدرت سازماندهی خود تمام زنان را یکی کرده و نیرو و جسارت خود به تک تک آنان بخشید، با وجود تمام سختی‌ها و شکنجه‌های دور از انسانیت و حقارت دشمن باز هم یکی از آن زنان هم‌خیانت نکرده و شرافت خود را به دشمن نفروخت. این همه تأثیرات شخصیت تأثیرگذار رفیق سارا بود، جایی که امید



آزادی و پیروزی، دشمن را به زانو در می‌آورد. تلاش ذهنیت مردسالار این است که زنی بی اراده و بدون قدرت تفکر که بردگی را پذیرفته بیافریند، اما در برابر آن رفیق سارا نمونه زنی شد که خود را از هر نظر به سطح رهبری رساند، از لحاظ سیاسی، ایدئولوژیک، فلسفی، مبارزات مصلحانه، سازماندهی و هر وظیفه دیگر انقلابی به نمونه ای در تاریخ مبارزات انسانیت مبدل گشت، با جهان بینی و قدرت فکر کردن استراتژیک خود در بازسازی حزب پ ک ک در زمان توطئه بین المللی علیه رهبر آپو، رفیق سارا نقش تعیین کننده‌ای داشت.

سمبل مبارزه، سکینه جانسز در طوفانی ترین روزهای تاریخ سوار بر کشتی آزادی، برای وحدت خلق کورد و برای دوباره آفریدن زیبایی‌هایی که به دست نابودی سپارده شده اند، به سوی دریاها روانه شد و زندگی مقدس را انتخاب کرد. شانه به شانه و دست به دست رهبر خلق ها رهبر آپو برای تبدیل کوهستان ها به عبادتگاه خداوندگاران و آفریدن جهانی سراسر پاک و زیبایی تا آخرین لحظه زندگی اش مبارزه کرد. امروز به هزاران زن آزادی خواه کورد و از هر نقطه از جهان برای انتقام خون پیشاهنگ و رهبر زنان سکینه جانسز، رفیق سارا، فدایانه رو به کوهستان های کوردستان می‌آورند و با جان خود از این میراث به جای مانده محافظت می‌کنند.

مبارزات بی امان رفیق سارا و همراهانش و آفریدن خط زن آزاد، بزرگترین ضربه تاریخی بر جان و روح و دل دشمن، ذهنیت مردسالار هزاران ساله بود. برای همین هم دشمن از هیچ چیزی برای نابودی ایشان دریغ نکرد، در این باب رهبر آپو می‌گویند: «در شخص سارا قتل‌عام درسیم دوباره شد». رویای رفیق سارا کوردستانی آزادی است که به گل ها آراسته شده است.

سکینه جانسز(سارا) به همراه دو تن دیگر از



همراهانش، فیدان دوغان و لیلا شایلمز در ۹ ژانویه ۲۰۱۳ در پاریس از سوی دولت فاشیست تورک به همکاری نیروی های توطئه‌گر به شهادت رسیدند.

**سوگند ما زنان آزادی خواه به
خصوص زنان جوان ادامه دادن
راه شهیدایمان و رفیق سارا
است، تا به واقعیت رساندن
رویاهای آن ها و آراستن
کوردستان به گل های آزادی
لحظه‌ای از مقاومت و مبارزه
خود دست برنخواهیم داشت.**



نه می بخشید و نه فراموشی می کنید!

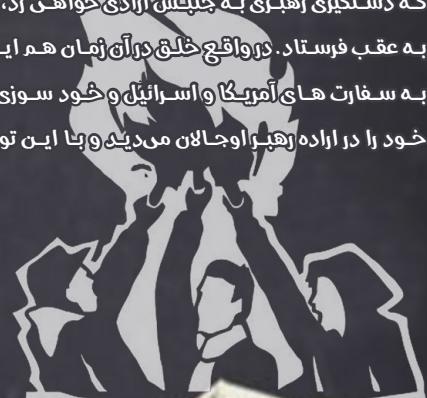
ت. ک.

اکنون که در سالگرد توطئه بین‌المللی که منجر به دستگیری رهبر عبدالله اوجالان، در سال ۱۹۹۹ شد هستیم. به یاد می‌آوریم چگونه کشورهایمانند ترکیه و اسرائیل که به ظاهر با یکدیگر اختلاف دارند، با همکاری‌های پنهانی و آشکار، تلاش کردند صدای آزادی و عدالت خواهی ملت کورد را خاموش کنند. هر انسان آزاده ای چه کورد چه غیر کورد اگر ذره ای وجدان داشته باشد این لحظه را به عنوان نقطه تاریکی نه تنها در تاریخ مبارزات کوردستان، بلکه در تاریخ جهانی مبارزات آزادی خواهانه خواهد دید.

در این توطئه که با مشارکت فعالانه‌ی میت، سیا و موساد انجام گرفت به همه ثابت شد، همان‌طور که رهبری در نوشته‌هایش می‌گوید: «ملت‌ها دوست یکدیگرند و دولت‌ها هر چقدر هم که با یکدیگر دشمنی و اختلاف داشته باشند در برابر خواست آزادی ملت‌ها با یکدیگر متحدند.» چرا که آزادی یک ملت می‌تواند الگویی برای آزادی سایرین باشد و این را به عنوان تهدید تلقی می‌کنند. در واقع بزرگترین تهدید رهبری، غیرقابل‌معامله بودن اراده‌ی او برای آزادی ملت کورد و پایبندی او در عمل به تمام افکاری بود که برای آگاه‌سازی خلق کورد بیان می‌کرد. در دنیایی که پر است از رهبران دورو یا فاسد مانند اردوغان و نتانیاهو، مسلماً هیچ تهدیدی جدی‌تر از صداقت و پایبندی به اصول اخلاقی مشخص نیست.

عبدالله اوجالان، با آثارش، بمویژه کتاب «مانیفست تمدن دموکراتیک»، به ما آموخت که مبارزه برای آزادی کوردها بخشی از یک مبارزه‌ی بزرگ‌تر برای دموکراسی، آزادی و عدالت است. رهبر اوجالان تأکید می‌کند که راه‌حل واقعی برای مسائل کوردها و تمام ملت‌های تحت ستم، در یک سیستم دموکراسی رادیکال نهفته است که در آن قدرت به جامعه بازگردانده شود و ساختارهای سلسله‌مراتبی و دولت‌گرایی به چالش کشیده شوند. دستگیری او نه تنها به یک شخص، بلکه به یک فلسفه و یک آرمان آسیب رساند. هر چند با گذشت تمام این سالها جوانان آپوینی از نسل‌های مختلف همچنان پرچم مبارزه در جهت افکار رهبری را برافراشته نگاه داشته‌اند اما حقیقتاً ضربه‌ای که دستگیری رهبری به جنبش آزادی خواهی زد، ضرر بزرگی بود که رهایی خلق کورد را چندین سال به عقب فرستاد. در واقع خلق در آن زمان هم این را فهمیده بود. وقتی که به حجم و جدیت حملات به سفارت‌های آمریکا و اسرائیل و خود سوزی‌ها نگاه می‌کنیم می‌فهمیم که خلق کورد آینده‌ی خود را در اراده رهبر اوجالان می‌دید و با این توطئه آینده‌ی او را در معرض تهدید قرار دادند. تنها

نوشتی جوانان انتقام



در این صورت است که یک شخص حاضر می‌شود از جانش بگذرد تا اعتراضش را بیان کند چرا که بدون آینده، حال هم معنی خود را از دست می‌دهد و زندگی بی‌ارزش می‌شود.

ترکیه با استفاده از قدرت و نفوذ دولت‌های هم‌مون‌گرا و توطئه‌ی سیاه، رهبر اوجالان را دستگیر کرد، اما این توطئه بدون همکاری‌های دولت‌های بین‌المللی ممکن نبود. اسرائیل، با وجود اختلافات گسترده‌ای که با ترکیه در مسائل منطقه‌ای دارد، در این مورد خاص نشان داد که چگونه منافع استراتژیک می‌تواند بر اصول دموکراتیک و حقوق بشری غلبه کند. اسرائیل در این توطئه، نه تنها به ارزش‌های اعلامی خود پشت کرد، بلکه به یک همدست در سرکوب ملتی تبدیل شد که به دنبال آزادی بود.

وقایع اخیر در سوریه نشان می‌دهد که این همکاری و ائتلاف ضد کوردها همچنان ادامه دارد. در حالیکه کوردها در سوریه تلاش می‌کنند تا با خودمدیریتی دموکراتیک الهام گرفته از آموزه‌های عبدالله اوجالان، منطقه‌ای با ثبات و امن ایجاد کنند. ترکیه با حملات متعدد به روزاوا تحت حمایت‌های ضمنی یا سکوت برخی از کشورهای منطقه و جهان، نشان داد که در مورد کوردها، اختلافات سیاسی جای خود را به یک اتحاد ضد کورد می‌دهند.

دستگیری اوجالان نه تنها بر مبارزات کوردها، بلکه بر تمام جنبش‌های آزادی‌خواهانه در منطقه و جهان تأثیر گذاشت. این اقدام به عنوان یک هشدار جدی به همه کسانی که به دنبال تغییر و انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی هستند عمل کرد. اما همیشه در تاریکترین لحظات شب سپیده‌ی صبح سر می‌زند! در نهایت به جای محدود کردن مبارزات، این دستگیری باعث شد تا جنبش‌های کوردی با انرژی و استراتژی‌های جدیدی احیا شوند، مانند مدل خودمدیریتی دموکراتیک روزاوا که بر اساس فلسفه‌ی رهبر اوجالان شکل گرفته است. در نهایت مهمترین عنصر پیونددهنده و توسعه‌دهنده‌ی یک ملت، حافظه‌ی تاریخی مشترک است چرا که همان گونه که یک فرد بدون حافظه در نظر ما کم عقل جلوه می‌کند. چون هرچیز را دوباره و دوباره باید امتحان کند تا یاد بگیرد و در نهایت هم فراموشش خواهد کرد و اشتباهات خود را مدام تکرار می‌کند خلق کورد هم نباید هرگز خیانتی را که در حق او انجام شده است از یاد ببرد. اگر دولت-ملت‌های شریک در این توطئه و اقدامات پس از آن، بخواهند روابطشان با ملت کورد را ترمیم کنند باید به شدیدترین لحن آن چه اتفاق افتاد را محکوم کنند. دولت ترکیه نمی‌تواند مادامی که رهبر خلق کورد را در زندان گروگان گرفته است با جنبش آزادی‌خواهی کورد مذاکره کند آنها یک بار این فرصت را در مذاکرات صلح قبلی داشتند و غیر قابل اعتماد بودن خود را ثابت کردند. دولت اسرائیل هم باید بداند بدون اظهار نظر رسمی در مورد نقشش در توطئه‌ی بین‌المللی و عذرخواهی رسمی از ملت کورد هیچ اعتباری برای اتحاد حول منافع مشترک نخواهد داشت چون کسی که یک بار خیانت کرده است باز هم خیانت خواهد کرد، خصوصا اگر از کرده‌ی خود حتی اظهار پشیمانی نکرده باشد. ما نباید بگذاریم که اتحادهای منفعت‌طلبانه، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را تحت‌الشعاع قرار دهند. باید به یاد داشته باشیم که هر تلاش برای سرکوب آزادی‌خواهی و عدالت، در نهایت به شکست خواهد انجامید، چرا که اراده مردم برای آزادی و حقوق انسانی‌شان، نیرویی است که هیچ زندان و هیچ توطئه‌ای نمی‌تواند آن را متوقف کند. مبارزه برای آزادی عبدالله اوجالان همچنان ادامه دارد و این خود نشان‌دهنده این است که روح آزادی‌خواهی هیچ‌گاه خاموش نخواهد شد.

شما هم می‌توانید موضوعتون را
برامون بفرستید.

بەرخۇدانى رۇژئاوا پاراستنى كەرامەتى مەرۇقايتى





AGIRÊ AZADIYÊ, VIYAN KAROX



VEJÎN JIYAN

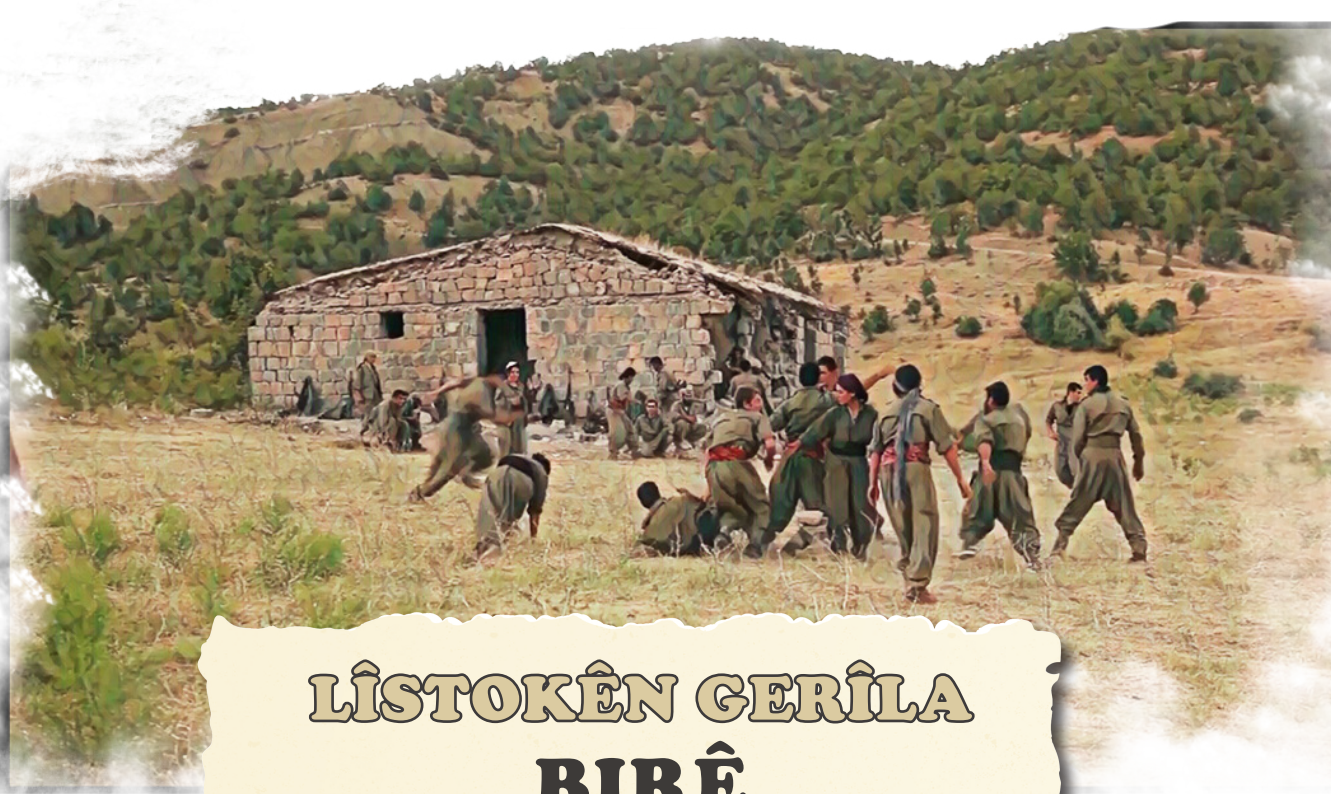
Agir û agir hene, lê ne her agir agire. Dema dilê mirov bi hestên gerim yên azadiyê tijî dibe nexwe agirê azadiyê tê de pê ketiye. Carnan ev agir me dikşîne ber bi xwe avêtina nav, ji bo ku em heqîqetê bibînin. Lê em xwe davêjin nav yan na ew girînge. Yek ji van agirên ku em behis dikin di şeveke ku ji tarîtiyê stêrk serê xwe dernedixistin, bi şewqa xwe ew tarîtiya ku dişibhiya tarîtiya dehaqan, ronahiya xwe veda. Ev agir ne tenê şewq da, deng jî da. Bû dengê bê dengiya li hember hemû bê helwestbûnan.

Ev şewq û deng bi xwe Viyan bû. Ev agirê geş û bilind yê dil, ruh û bedena Viyan bû. Di sala 2007 an de dema ku dewleta Tirk ya faşîst û komplogeran xwestin nêzî Rêber Apo bibin, ji Heftanînê qêrîna ne qebûl kirinê bilind bû di şexsê heval Viyan de. Dîtina Rêber Apo di ruhê xwe de pêk tîne û agirê parastina Rêber Apo berdide bedena xwe.

Ji bo ku em çalakiya heval Viyan fêm bikin û wate bidinê divê em kesayeta wê baş bixwînin û nas bikin. Viyan Karox, keçeke serhildêr ya ji bajarê Silêmaniyê yê Başûrê Kurdistanê ye. Dema mijankê xwe ji bo rojê radike û çavê xwe vedike li dinyayê navê Leyla Qasim lê tê kirin. ev xisleta berxwedanî û berpirsyartiyê dide ser milê heval Viyan. Bi tevlîbûna xwe ya nav tevgera Apoyî di sala 1997 an de, asîlbuyîna jina Kurd temam dike. Bi kesayeta xwe ya ku çanda jina Kurd ya berxwedêr temsîl dike tê bi nav kirin. heval Viyan ji dema ku tevlî dibe heta kêliya dawî ji jiyana xwe ya di nav tekoşînê de her xeyalê wê yê herî sereke û ji dil dîtina Rêber Apo bû. Ji bo wê jî hemû şer û tekoşîna xwe li ser vî esasî dike. Ji Rêber Apo re jî wiha dibêje: Ji roja ku min navê te bîhîst û naskir, jiyane hîs dikim, dizanim ku ez kîme û divê çawa bijîm. Yanê hizr û ramana te min, bi min da nasîn

û ez hîn kırım ku bi wate bijîm. Te ez fêrî alfabeya azadî û serbestiyê kırım. Di dibistana te de çi qas min zahmetî jî kişandibe, tu rojek ji rojan min dudilî û poşmanî jiyana nekir. Ji ber ku min tê de hêza wateyê keşf kir, hêza raman û hêza mirov jî. Pir kêm be jî min fêm kir ku tu tiştêkî ne pêkan nîne û bi şertê ku mirov di armanca xwe de cidî be û pê bawer be, dê mirov her dem bighêje armanca xwe. Jinên ku ji ber kerba azadiyê xwe avêtbûn hembêza çiyayên pîr û jiyana xwe hemû beşî dîroka xwedawenda dikin, Heval Viyan dibe yek ji wan jinan û pêşengtiya jiyana azad dike. Bê guman jiyana azad bê astengî û kelem nayê bi dest xistin. Heval Viyan bi vê qenahetê meşa xwe ya di tevgera azadiyê de her diçe xurt dike. Di pêvajoyên ku tesfiyeger û komplogeran li pêşiya şoreşa azadiyê asteng bûn û hemû hewildanên xwe ji bo bin pêkirina vê şoreşê dikirin. Li beramber wan heval Viyan yek ji kesayetên herî bi helwest bû. Dema ku Rêber Apo di hewildana xurt kirina şoreşa azadiyê de ye, tesfiyegeran her li dijî Rêber Apo derdiketin, heval Viyan li hember ked û hewildanên Rêber Apo xwe berpirsyar didît û her tim parastina rastiya dike û nahêle ku ti kes bikaribe bandoreke neyînî li ser xeta Apoyî bike. Vaye jina ku li hember neheqiyê disekine û serî radike. Jina ku di serxistina azadiyê

de xwe kilît kiriye û li mîrasê xwe yê dîrokî dibeze. Ev jin di tevgera Apoyî de tê afrandin. Ji ber ku di rastiya tevgera Apoyî de yê ku ji nû ve tê afrandin insane, bi taybet jine. Bi dehan jinên ji bo azadî û serxwebûnê soz dane derdikevin. Ev jin dibin Zîlan, Bêrîtan Sema û Viyan. Niha jî Asya, Sara û Rûken in. Êdî agirê dilê Viyan dibe agirê dilê her kesî, xeyalê Viyan dibe xeyalê her kesî. Biriqandina agirê Viyan dikeve çavê her kesî. Yê ku çavê xwe jê re bigre jî wê ji heqîqetê sêwî bimîne. Bi vî rengî bi sedan Viyan dibin çirûskên agirê azadiyê. Çawa ku heval Viyan ji xwe re Zîlan, Bêrîtan û Sema esas girt û ew ji xwe re kiran qibleta azadiyê, niha jinên ku ji bo azadiyê canê xwe diyarî dikin dibin berdewamiya xeta heval Viyan û her diçe wî agirî gur dikin.



LÎSTOKÊN GERÎLA BIRÊ



RÊNAS EVALAN

Birê lîstokeke askerî û komînale. Di nav civata gerîla de pir tê lîstin. Li gor hin herêman navê lîstokê diguherê û quralê lîstokê jî kêman jî zêde dibê. Taybetmendiyên êrîşê, hem jî taybetmendiyên parastinê di nava xwe de dihewîne. Ji ber vê yekê jî di warê taktîk de fêrkere. Ji bo vê lîstokê sahayek fereh pêwîste û her çiqasî hijmar zêde be ewqas xweştir dibe.

Quralên lîstokê wisane:

1. Du tîm hene yek tîm dibe tîma êrîşê tîma din jî dibê tîma parastinê.
2. Tîma parastinê qaraqolê diparêzê yanî giloverekê çê dikin li orte jî keviran li ser hevdu datînin ew kevir dibê kelhle, sê an jî çar kes li gorî pêwîstiyê çend kes kelhê diparêzin
3. kesen ku di tîma êrîşê de cîh digrin hewl didin ku qalê bi dest bixin û dixazin kevirên li ser hev bixin erdê. dema ku ev pêk anîtin serdikevin lê tîma parastine wê hesan rê nedê vê yekê.
4. kesek ji nav tîmê parastinê de destê xwe nefereke, neferekî ku dinava tîma êrîşê de cîh digrê bixê ew kes der dikevê. Lê di wê kêliyê de eger kesek ku di nav tîma êrîşê de cîh digrê, pişt kesê kesa ku dixazê destê xwe lê bixê re derbas bibê vê carê jî hejmara tîma parastinê kêman dibê, ji vêra dibêjin qut kirin.
5. Tîma êrîşê di nav xwe de çend kesan wek fedaî dihilbijêrê çew fêdaî îlêgalin. dema derfet bi dest xistin cih û dema pêwîst de çalakiya xwe pêk tînin û serketine hesantir û leztir dikê û lîstok bi hev re tê lîstin.

کرماشان



یکی از شهرهای تاریخی و کهن کُردستان و ایران است که در اعصار گذشته به نام «اکریمیسین» شناخته شده است. در دوران نظام شاهنشاهی سعی کردند نام آن را به «کرمانشاه» تغییر دهند که با مخالفت مردم مواجه شد، همچنین در دوران حکومت جمهوری اسلامی هم نام آن را به باختران تغییر دادند که باز هم با مخالفت مردم مواجه شد و دوباره آن را لغو کردند و هم اکنون با همان نام کرماشان شناخته میشود.

یکی از کلان شهرهای ایران و شهری صنعتی است که مساحت آن ۴۳۴،۲۴ کیلومترمربع است. هم اکنون دارای ۱۰ شهرستان است که آن عبارتند از: اسلام آباد غرب، پاوه، جوانرود، سرپل ذهاب، سنقر، صحنه، قصر شیرین، کنگاور، گیلان غرب و هرسین. اکثر ساکنان این استان کُرد شیعه مذهب بوده و به لهجه‌ی کلهری تکلم می‌کنند، شمار کمی از ساکنان آن نیز به هورامی و جافی تکلم می‌کنند. بخشی کمی هم پیرو آیین یارسان و مسلمان سنی مذهب هستند.

قدیمی‌ترین آثار سکونت انسان در کرماشان مربوط به دوره پارینه‌سنگی کهن است که در جنوب غربی شهر پیداشده که شامل ده‌ها تبرسنگی، ساطور ابزار و سنگ مادر مربوط به دوره آشوری است و قدمت آن بین ۷۰۰ هزار تا ۱ میلیون سال برآورد شده‌است. علاوه بر این آثاری از دوره پارینه‌سنگی کهن شامل چند تبرسنگی است در تپه گاکیه و نیز در غرب هرسین یافت شده‌بود که قدمت آن حدود ۲۰۰ هزار سال برآورد شده‌بود.



شهر کرمانشاه از شمال به کوه فرخشاد و کوه پراو، از شمال غربی به کوه طاق بستان و از جنوب به سفید کوه منتهی می‌شود، رشته کوه زاگرس که همچون دیواری سنگی بلندی های شرق کوردستان را مشخص کرده در مسیر کرمانشاه، به دشت های وسیع و کوه های عمدتاً مجزا و دره های وسیعی منتهی می‌شود که از قدیم برای رسیدن به میان رودان مورد استفاده قرار گرفته است.



بافت جمعیتی کرمانشاه را خلق های گوناگونی شامل می‌شود که یکی از این ها یارسان ها بوده، اهالی یارسان از دیرباز در این سرزمین با فرهنگ و شیوه زندگی خویش خود را با طبیعت و خاک این سرزمین گره داده اند. همچنین در برابر اشغالگری و هجوم حاکمان منطقه و قدرت های منطقه مقاومتی تاریخی را از خود نشان داده اند و تا به امروز نیز این مقاومت رنگ و بوی خود را در حرکت آزادی حفظ نموده است.

خلق های ساکن در کرمانشاه با بافت زندگی مشترک و درهم تنیده همواره توانسته رنگ زندگی دموکراتیک را در خود حفظ نمایند، به این سبب نیز جوانان بسیاری مسیر کوهستان های آزاد را برای تحقق حیاتی دموکراتیک و آزاد، انتخاب کردند.





شه هيد
ژيان ههردهم

ئا لبومي شه هيد ان



شه هيد
شوان چيا



شه هيد
سهردار روژهلات



شه هيد
نامهده سهرحهده



شەھىد

دەلىلا ئۆمباز



شەھىد

بىستون ئىلام



شەھىد

ئاسقۇ فەرزاد

ئائىلومى شەھىدان



شەھىد

شاھۇ تۆھلەدان



شەھىد

جانفەدا سورو



شەھىد

سىروان بىستون

ننگاره گان ده دویں



رۇژ ژىيىرى شۇرش

چواريشمە سوورى

۸ى رەشەمە

سالپۇزى شەھادەتى ھەقۇلان ئافات، مادورا و فازل لە سالى 2007

۹ى رەشەمە

سالى 1921، سالپۇزى دەستپىكردى

سەرھەلدىنى كۆچكەرىيە

۵ى رەشەمە

رۇزى جىھانى ژنانى رەنجەرە

۱۷ رەشەمە

جەژنى نەورۇزە

۱ى خاكەليو

سالى 1982 سالپۇزى شەھادەتى ھەقۇل مەزلوم دۇغان

لەگرتووخانەى نامەدە

۱ى خاكەليو

رۇزى جىھانى تئاتر (شانۆيە)

۷ى خاكەليو

سالى 1986، سالپۇزى شەھادەتى ھەقۇل عەگىد

(مەسسوم كۆركمان)

۸ى خاكەليو

سالپۇزى دووهمين كۇنفرانسى كەجەرە لە 2016يە

۹ى خاكەليو

سالى 1995، سالپۇزى دەستپىكردى يەكەمين

تەلەفېزىۋنى كورد مەد تېفېيە

۱۰ خاكەليو

سالى (1947 - 1326)، سالپۇزى لەسپدارەدانى

پېشەوا قازى محەمەدە

۱۱ى خاكەليو





به جوانی دهستان و پیگرد / به جوانی پیش مسوره گویون

JILEMO 36

کوشه‌نگای جوانانی رژیم‌لای کوردستان و به‌ختی ژنای جهوانی رژیم‌لای کوردستان

